

آغاز فارسی در شبه قاره و چگونگی ارتقای آن

دکتر ظهورالدین احمد

آغاز زبان فارسی در شبه قاره پاکستان و هند، و چگونگی تحول و ارتقای آن شامل "مشمولات" یعنی مباحث زیر است:

۱. ورود زبان فارسی به شبه قاره
۲. انقراض مملکت‌های هندو در شبه قاره و رواج زبان‌های قدیمی
۳. آغاز ارتقای زبان فارسی در سنده
۴. آغاز ارتقای زبان فارسی در لاهور / پنجاب
۵. آغاز ارتقای زبان فارسی در کشمیر
۶. آغاز ارتقای زبان فارسی در بنگال
۷. آغاز ارتقای زبان فارسی در استان مرزی
۸. آغاز ارتقای زبان فارسی در دکن (هند جنوبی)
۹. فارسی و اردو
۱۰. رواج زبان فارسی در زمان حکومت انگلیسی‌ها
۱۱. موقعیت زبان فارسی بعد از تأسیس پاکستان و هند
۱۲. تأثیر زبان فارسی در زبان‌ها و لهجه‌های منطقه‌ای و محلی
۱۳. تدریس زبان فارسی در شبه قاره
۱۴. آموزشگاه‌های فارسی در شبه قاره

۱۵. ناشران و چاپخانه‌های مربوط به زبان و ادب فارسی

۱۶. تصنیف و تألیف به زبان فارسی در هندوستان

۱. در زمان حکومت غزنویان و غوریان

۲. در عهد سلاطین مملوک و سادات و لودهی

۳. در عهد جلال‌الدین محمد اکبر تیموری

۴. در عهد جهانگیر پادشاه

۵. در عهد شاهجهان

۶. در عهد اورنگ زیب

۷. در عهد سلاطین متأخر تیموری

ورود زبان فارسی به شبه قاره پاکستان و هند^۱

در سال ۳۰/۵۳۱ هـ ق شاهنشاهی ساسانی ایران منقرض شد و حکومت مسلمانان جانشین آن گردید. دین زرتشتی دین کشور بود و سرپرستی آن را شاهان داشتند. بر اثر انقراض سلطنت پیروان مذهب زرتشتی خود را نایمن پنداشتند و برای حفظ و بقای مراسم دینی خود نگران بودند. لذا دسته‌جمعی از ایران به هندوستان هجرت نمودند و در گجرات اقامت گزیدند. در آغاز خود را با کارهای کشاورزی، بازرگانی، صنعتی و حرفه‌ای مشغول ساختند و مراسم دینی خود را اجرا می‌کردند و آتش را فروزان نگاه داشتند. پس از مدتی با زیرکی و زحمت‌کشی و استقامت اوضاع و احوال خود را مستحکم کردند و آوازه‌شان در جهان علمی و بازرگانی و سیاسی بلند شد. بعضی از ایشان به مناطق دیگر کشور مانند ورائچ، نوساری، سورت و اوده رفتند.

زبان زرتشتی‌ها پهلوی یعنی فارسی میانه بود. می‌توان گفت که زرتشتی‌ها اولین مردمی هستند که فارسی را وارد هند کردند. در زمان اکبر پادشاه تیموری (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) زرتشتی‌ها از حیث گروه مذهبی معروفیت داشتند. ابوالفضل می‌نویسد که «زرتشتی‌ها از نوساریی به دربار اکبری آمدند. بنده اصطلاحات مذهبی ایشان و القاب پارسیان را یاد گرفتم. پادشاه از عقاید ایشان به شدت تحت تأثیر آمد و فرمان داد که در

1. Parsia's. Ancient and and their religion, F.K, Dado Chanii, Krachi, 1986, p.

دربار شب و روز مثل زرتشتی‌ها آتش را فروزان داشته باشند چنانکه پادشاهان ایرانی در آتشکده‌ها آتش را فروزان می‌داشتند. زیرا که آتش ظهور تجلی خداوندی باشد.^۱ در سده نوزدهم میلادی در اروپا دانشمندان به مطالعه علوم شرقی متوجه شدند. هندی‌ها نیز به آموختن زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی رغبت پیدا کردند و دانشجویان برای آموزش عالی به دانشگاه‌های خارج رهسپار شدند. برای معرفی دین زرتشتی کتاب‌های مذهبی را به زبان‌های خارجی ترجمه کردند مثلاً شمس‌العلماء دستور دکتر پشتون سنجانا (۱۸۲۸-۱۸۹۸ م) دینکرت را در هشت جلد به آلمانی ترجمه کرد، شمس‌العلماء دستور داراب پشتون سنجانا (۱۸۵۷-۱۹۳۱ م) این ترجمه را به هژده مجلد گسترش داد. دستور دکتر مانک جی نویروان دهلا (۱۸۷۵-۱۹۵۶ م) رساله‌هایی درباره عبادات و مراسم زرتشتی به زبان‌های انگلیسی و گجراتی نوشت. دکتر جاماسب (۱۸۳۸-۱۸۹۸ م) فرهنگ پهلوی را تألیف نمود.

زبان‌های قدیمی شبه قاره

در زمان باستان در شبه قاره در مناطق گوناگون حکومت هندوان وجود داشت. زبان دینی و رسمی آنها سانسکریت بود ولی زبان عموم مردم در منطقه‌ها مختلف بود. مثلاً در ناحیه‌های شمالی پنجاب زبان مردم هندی / هندوی یا پنجابی بود؛ در بنگال، بنگالی؛ در منطقه‌های جنوبی، زبان‌های تامیل، تلگو، کناری، علیاکم و غیره؛ در منطقه‌های وسطی، برج بهاشا یا شورسینی؛ در منطقه‌های شمالی پاکستان کنونی، قبل از ورود ایرانی‌ها زبان مردم به قول امیر خسرو (م ۷۲۵ هـ) هندوی بود. به قول عوفی مؤلف کتاب‌الالباب (۶۱۸ هـ) یکی از دیوان‌های مسعود سعد سلمان لاهوری (م ۵۱۵ هـ) به زبان هندی بود. قدیم‌ترین نمونه این زبان قطعه‌های شیخ فریدالدین مسعود گنج‌شکر (م ۶۶۴ هـ) است. که دارای کلمات سانسکریت، مندراری، دراوژی، عربی و فارسی هستند. ظاهر است که این زبان تحت تأثیر زبان‌های مردمی درآمده بوده که از خارج یا از اندرون کشور بزرگ به این منطقه وارد شدند و سکنی گزیدند. کلمات فارسی در بیت زیر، سروده فرید، از آن جمله‌اند:

1. *Aeen-i Akbari*, Abul Fazl, translated by H. Blothmow, Calcutta, 1927 (2nd edition).

اختتام حکومت هندوان در شبه قاره

در نتیجه ورود مسلمانان به هند و یورش‌ها و جنگ‌های آنان حکومت‌های هندوان خاتمه یافتند. در سال ۱۰۱۶/۵۴۱۶ م سلطان محمود غزنوی سومنات را مفتوح ساخت و در پنجاب و منطقه‌های ملحق به آن حکومت خانواده هندو شاهی برهم خورد. معزالدین محمد سام غوری بر اجمیر مسلط شد و در نتیجه دولت راجپوتان چوهان از بین رفت، قطب‌الدین ایبک در سال ۱۲۰۳/۵۵۹۵ م پرتھوی راج سوم را شکست داد و به حکومت اجمیر و مالوه خاتمه داد. سردار بختیار خلجی در سال ۱۱۹۹/۵۵۹۹ م حکومت هندوان بنگالی را از هم گسست. در سال ۱۳۰۶/۵۷۱۵ م ملک کافور بر دیوگری حمله آورد و حکومت یدواوا به پایان رسید. در سال ۱۵۶۸ م اریسه به تصرف مسلمانان درآمد. حکمرانان مسلمان بیجاپور، کلکته و دولت وجیانگر هندی را از بین بردند. سلاطین گجرات و خاندیس نیز مغلوب شدند و حدود سلطنت مسلمانان از کنار شرقی دریا تا به کنار مغربی هند گسترده شد.

در خاتمه عمر این خانواده‌های سلطنتی، در کل مناطق شبه‌قاره زبان فارسی زبان رسمی اعلام شد و به تدریج زبان علمی و ادبی کشور شد و زبان‌های منطقه‌ای و محلی را تحت تأثیر درآورد.

آغاز ارتقای زبان فارسی در سنده

در سال ۹۶ هجری محمد بن قاسم سنده را تحت تصرف خود آورد و دولت مسلمانان به وجود آمد. زبان حکام عربی بود، لذا رواج یافتن آن بدیهی است. علاوه بر آن برای نشر و اشاعت اسلام تدریس زبان عربی نیز ضرورت داشت. ممکن است که مردم نیز یک کمی با زبان فارسی آشنا می‌بوده‌اند زیرا که ایرانیان نیز جزء لشکریان محمد بن قاسم بودند که به این منطقه آمدند. در چچ‌نامه مذکور است^۲ که شخصی به نام ابوصابر همدانی که با لشکر اسلام آمده بود با پرچم در جلوی فیلان ایستاده بود. در زمان حکومت

۱. آکھیا بابا فرید، محمد آصف خان، لاهور، ۱۹۸۶.

۲. چچ‌نامه ترجمه علی بن احمد کوفی، مرتبه عمرین داؤد، پونا، بمبئی.

صفاریان گروهی از فارسی‌زبانان در این جا بودند، ابن حوقل در سال ۳۶۷ هـ می‌نویسد^۱ که در منصوره (سندھ) و ملتان سندھی و عربی رواج دارد و در مکران، مکرانی و فارسی. در عهد غزنویان رواج یافتن فارسی رسمی و حتمی می‌شود. بشاری نوشته است که در ملتان مردم فارسی را بلد هستند.^۲

در زمان حکومت عبدالرشید بن سلطان مسعود غزنوی (۴۴۳-۴۶۷ هـ) قبایل سمّه و سومره بعضی از مناطق سندھ را متصرف شده قدرت به دست آورده بودند. مردم سومره با سواد نبودند لذا هیچ اثری از زبان و ادب از ایشان وجود ندارد. ولی از حکمرانان سمّه جام علیشیر، جام فتح خان، جام سنجر و جام نندو، علم دوست و سرپرست زبان و ادب بودند. جام نندو (م ۹۱۴ هـ) شاعر بود و قدردان علماء و شیوخ. در زمان حکومت سمه‌ها (تا ۹۲۶ هـ) مخدوم بلال، حماد جمالی، شیخ عیسی، اثیرالدین ابهری از شاعران و عالمان و صوفیان نامور به شمار می‌آمدند.

بعد از سمه‌ها حکومت به قبیله ارغون (۹۲۶-۹۶۰ هـ) و پس از آن به قبیله تمرخان (۹۶۲-۱۰۰۱ هـ) رسید. حاکمان ارغون و ترخان قریحه ادبی داشتند. شاه حسن ارغون برای تدریس فارسی آموزشگاه تأسیس نمود. میرزاجانی بیگ و ترخان میرزا غازی بیگ شاعر بودند و قدردان شعراء. در عهد حکومت ایشان زبان و ادب بیشتر رواج پیدا کرد.^۳ در عهد حکومت تیموریان گورگانی بالخصوص در دوره حکومت اکبر تا اوزنگ زیب (۱۰۰۱-۱۱۱۸ هـ) ناظران حکومت از سوی دولت مرکزی منصوب می‌شدند و به این منطقه می‌آمدند، و چون دوره مأموریت ایشان محدود می‌بود، نتوانستند خدمات چشم‌گیری انجام دهند. اما آنان که دانشمند و سخنور بودند تا حد مقدور شاعران و عالمان را مورد تقدیر قرار می‌دادند. زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و درباری رو به ارتقا بود. در مدرسه‌ها و مکتب‌ها فارسی تدریس می‌شد. برای تفهیم و تشریح کتب درسی و برای آموختن انشانویسی کتاب‌ها تألیف شدند مثل فرهنگ رشیدی، منتخب اللغات، منشآت نمکین، انشای هرکرن، مفتاح‌المخزن، شرح مخزن الاسرار، شرح مثنوی. برای حل مسائل فقهی، اخلاقی و عرفانی نیز رسائل نوشته شد: مخزن دعوت، رساله مسعودی. برای حفظ تاریخ و احوال بزرگان منطقه کتاب‌ها مرتب شد، مثل ترخان نامه:

۱. صورة الارض، ابن حوقل، طبع ثانی، لیدن، ۱۹۳۹، ص ۳۲۵.

۲. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، طبع ثانی، لیدن، ص ۴۸.

۳. پاکستان میں فارسی ادب، ظهورالدین احمد، ج ۳، لاهور، ۱۹۷۷.

تاریخ طاهری، مظهر شاهجهانی، ذخیره الخوانین، حدیقه الاولیاء، تذکره مشایخ سوسستان؛ داستان‌های محلی نیز به نظم آورده شدند مثل چنیسر نامه، زیبا و نگار (سسی و پنون). در دوره حکومت تیموریان متأخر (۱۱۱۹-۱۱۴۹ هـ) به سیاق سابق ناظران حکومت به وسیله دولت مرکزی منصوب می‌شدند و به سنده می‌آمدند. ولی از سال ۱۱۴۹ تا ۱۱۹۹ هـ دو خانواده سندهی کلهورا و تالپور حکومت را به دست گرفتند. این والیان خدمات خوبی برای ترویج زبان و ادب انجام دادند. برای دانشمندان و شاعران روزینه‌ها تعیین کردند تا با آرامش قلب مشغول به خدمت ادب باشند. در عهد کلهوراها شاعران متعدد زندگی می‌کردند. حکمرانان تالپور با پادشاهان قاجار ایران روابط دوستانه داشتند و چند تن مصور و خطاط و هنرمند از ایران به سنده آمدند. خود تالپوران شاعر بودند و ادب دوست نیز. در عهد حکومت ایشان شاعران خوشگو بسیار بودند. نام‌ها و کلام ایشان در تذکره مقالات الشعراء و تکمله مقالات الشعراء مضبوط است. منطقه سنده مرهون خدمات علیشیر قانع است که در تألیفات خود تاریخ و جغرافیا، شعر و ادب و رجال سنده را حفظ نموده است. در این دوره حکومت چندی از رسائل متعلق به سلوک و عرفان و مسائل دینی نوشته شد و دو کتاب دائرةالمعارف مانند بزرگ یعنی معلومات الآفاق و رشحات القنون در همین زمان تألیف شدند.

انگلیسی‌ها از ۱۲۶۳ تا ۱۳۶۲ هـ / ۱۸۵۰-۱۹۴۷ م بر سنده تسلط داشتند. در عهد حکومت ایشان برای مراسله‌نویسی زبان انگلیسی به جای فارسی به کار برده شد. آموختن زبان انگلیسی در مدرسه‌های نوین اجباری شد. با این همه بی‌توجهی دولت به فارسی شعرای فارسی‌گوی عالی‌رتبه به وجود آمدند. مجالس شعرخوانی تشکیل می‌شد. مجله‌های هفتگی مانند مفرح القلوب، خورشید واکلیل چاپ می‌شدند (برای تفصیل مطالب رجوع کنید به پاکستان مین فارسی ادب، جلد پنجم، ص ۳۹۳).

آغاز ارتقای فارسی در منطقه لاهور

سلطان محمود غزنوی در سال ۴۰۵ هـ نایب‌السلطنه یا سپهسالار خود را به لاهور فرستاد و این شهر مرکز نظامی شد. ایرانیان با اهالی لاهور تماس گرفتند. سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۲۸ هـ پسر خود مجدود را نامزد حکومت کرده به لاهور فرستاد. در معیت او امرای دربار، و خانواده‌هایشان در لاهور اقامت گزیدند. فارسی‌زبانان رفت و آمد داشتند. در لاهور و نواحی آن فارسی رواج پیدا کرد. هندوانی که اسیر شده بودند به غزنه رفتند و

آنان که برای لشکرها خدماتی انجام می‌دادند، با کلمات فارسی آشنا شدند. منجمان و طبیبان هندو و لک حجام سالار سپه در مراودات خود به زبان فارسی صحبت می‌کردند. پس از گسترش خانواده‌های ایرانی مساجد تأسیس شدند و دادگاه‌ها به وجود آمدند. مردم لاهور برای انجام حاجات خود به حکام و قاضیان رجوع می‌کردند و زبان فارسی به کار می‌بردند. علما و صوفیه برای تبلیغ و اشاعت اسلام به لاهور وارد شدند. مساعی ایشان در رواج فارسی نیز درخور یادآوری است. شیخ علی بن عثمان هجویری در سال ۳۳۱هـ به لاهور وارد شد و به برکت فیض او مردم مشرف به اسلام شدند. و ارکان دین و زبان پیر و مرشد خود را یاد گرفتند. کتاب عالی او در تصوف و عرفان به نام کشف‌المحجوب در لاهور به پایه تکمیل رسید. شعرای دربار به فارسی قصیده‌ها سرودند و کتاب‌ها تألیف شدند. با تأسیس مدارس فارسی یادگرفتن سهل شد. غزنویان تا سال ۵۸۰هـ در لاهور حکومت داشتند. و در این مدت زبان اداری و رسمی فارسی بود. قطب‌الدین ایبک از غوریان دارالسلطنه را از لاهور به دهلی انتقال داد و بعداً دهلی مرکز دولت شد. زبان فارسی در آنجا رشد یافت و وسیله اظهار افکار علمی و دینی و فرهنگی شد.

آغاز ارتقای فارسی در کشمیر

تبلیغ و نشر اسلام در کشمیر توسط صوفیان پاک‌نفس شروع شد. در سال ۷۲۵هـ سید عبدالرحمان معروف به بلبل شاه از ترکستان به کشمیر آمد و در نتیجه تبلیغ مؤثر او راجای (حاکم) هندو مسلمان شد و اهل و اقربای او دین اسلام را قبول کردند. بعداً علما و صوفیه و فارسی‌زبانان به کشمیر آمدند و اهالی کشمیر با زبان‌های عربی و فارسی آشنا شدند. در زمان حکومت قطب‌الدین شاه (۷۵۰-۷۹۶هـ) سیدعلی همدانی به همراه ۷۰۰ نفر مرید خود به کشمیر آمد و کتاب‌های خود را به همراه آورد. از برکت انفاس او هزارها نفر مسلمان شدند و مسجد و خانقاهی بنا شد. تعلیمات دینی رواج پیدا کرد. کشمیر با تمدن و فرهنگ ایرانی آشنا شد. زبان و شیوه تغذیه و لباس تغییر یافت. در دوره حکومت سلطان سکندر (۷۹۶-۸۲۶هـ) تصنیف و تألیف به زبان فارسی آغاز شد. در زمان حکومت سلطان زین‌العابدین (۸۲۷-۸۷۸هـ) فروغ علم و ادب به اوج کمال رسید. سلطان از خراسان و توران کتاب‌ها وارد کرد و هنرآموزان را برای کسب هنر کاغذسازی و جلدسازی به ایران فرستاد. ایشان این صنایع را آموخته در کشمیر رواج دادند. در

کشمیر درباره چهار نوع از موضوعات کتاب و رساله تألیف شد: شروح کتاب‌های درسی، تصوف و اخلاق و احوال صوفیه، احوال و وقایع کشمیر، دواوین شعرا. در سال ۹۹۶ هـ کشمیر زیر تسلط تیموریان درآمد و آن آستان آبادان و با رونق شد. بنای ساختمان‌های نو و تأسیس باغ‌های دلگشا، کشمیر جاذب نظر گردید. شاهان برای گردش و تفریح به آنجا می‌آمدند وزیر سرپرستی آنان علوم و فنون پیشرفت نمود. زبان فارسی در مقام زبان اداری و رسمی بیشتر رواج یافت. در ادوار حکومت جهانگیر و شاهجهان و اورنگ زیب شعرای بلندپایه وجود داشتند. درباره موضوعات دینی، علمی، اخلاقی و تصوف و مسایل فقهی و احوال صوفیه کتاب‌ها تألیف شد. تا سال ۱۱۶۶ هـ کشمیر در تصرف سلاطین تیموری بود. از ۱۱۹۹ تا ۱۲۳۴ هـ افاغنه آن جا را متصرف شدند، ولی در دوره حکومتشان زبان و ادب پیشرفت چشمگیر ننمود، زیرا که آنان ارباب علم و بصیرت نبودند.

در ۱۲۳۴ هـ / ۱۸۱۸ سیک‌ها کشمیر را متصرف شدند. ایشان کم‌سواد بودند و در زمان حکومت ایشان سلامت و امنیت برهم خورد. از طرف حاکمان هیچ تشویقی برای ترویج زبان و ادب به عمل نیامد مگر این که چند کتاب درباره تاریخ و تصوف و حساب و نجوم تألیف شد. از ۱۸۴۶ تا ۱۹۴۷ خانواده دوگرا حکومت را در دست داشت. مهاراجا دبیر سنگه دوستدار علم و ادب بود، و کار تألیف و تصنیف ادامه داشت. در اول پاییز ۱۹۴۷ راجا هری سنگه بر اثر فشار سیاستمداران هندو، کشمیر را جزء هندوستان اعلام کرد. زیر سلطه هندوان زبان فارسی از درجه زبان رسمی پایین آمد. در حال حاضر در دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها فارسی به صورت یک درس اختیاری تدریس می‌شود. کار تألیف و تصنیف در زبان فارسی معطل است. گاه‌گاهی کتابی درباره شعر و ادب و تاریخ و تصوف به زبان اردو یا انگلیسی یا کشمیری به چاپ می‌رسد.

آغاز ارتقای فارسی در بنگال

یکی از سپهسالاران مسلمان به نام محمد بختیار خلجی در سال ۵۹۹ هـ بنگال را به زیر تسلط درآورد، و یک منطقه حکومت هندوان به حکومت مسلمانان انتقال یافت و با مساعی تبلیغی درویشان پاک نفس مانند جلال‌الدین تبریزی، شیخ اخی سراج، علاءالحق و نور قطب عالم اسلام رواج یافت. کلمات عربی و فارسی به زبان بنگالی وارد شدند. و با تأسیس مدارس و مساجد تدریس زبان عربی و فارسی شروع شد. آموختن

زبان فارسی برای مردم لزومیت پیدا کرد، زیرا که برای انجام حاجات خود به ارباب بست و گشاد به زبان ایشان باید رجوع می‌کردند. نخستین کتاب فارسی ترجمه کتابی از سانسکریت است. یک درویش هندو به نام بهوجار پس از مباحثه با قاضی رکن‌الدین سمرقندی اسلام را قبول کرد و کتابی به عنوان امر تیکوند تقدیم نمود. قاضی مذکور آن را به عربی و فارسی ترجمه کرد. در سال ۸۶۳ هـ ابراهیم فاروقی فرهنگی فارسی به نام شرف‌نامه تألیف نمود. در حکومت سلاطین و حکام بنگال کتاب‌های متعدد از فارسی به بنگالی و از بنگالی به فارسی ترجمه شدند. عده مؤلفین مسلمان به ۹۷ نفر و تعداد کتاب‌های تألیفی آنان به ۱۲۹ جلد می‌رسد.^۱ اسامی بعضی از کتاب‌ها از این قرار است: جنگ‌نامه، قیامت‌نامه، شاه‌دوله پیر، مقتول حسین، راحت‌القلوب، نشاط‌نامه، نبی‌نامه، ابلیس‌نامه، سراج‌القلوب، غازی‌مدگل، تان‌تلاوت و غیره. نام‌های داستان‌های عشقی از این قرار هستند: لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا، سیف‌الملوک، ودیا سمندر، پدماوتی، لال‌متی، مدهومالتی و غیره. در این منظومه‌های بنگالی کلمات فارسی وجود دارد. در دوره حکومت انگلیسی‌ها مسلمانان مغلوب و محکوم شدند. ادب مسلمانان بنگال رو به انحطاط نهاد. کلمات سانسکریت بیشتر در زبان بنگالی به کار آورده شدند. بنکم چندر چیترجی در رمان‌های خود از آوردن کلمات فارسی پرهیز کرد. مسلمانان از این امر آگاه شده انجمنی به نام «بنگله مسلم ساهته سمتی» تأسیس نمودند و برای نزدیک کردن زبان فارسی به زبان بنگالی کوشیدند. نذرالاسلام، شاعر معروف بنگال بحور فارسی را به کار برد و غزل و نعت و قوالی و ترانه‌های ملی را رواج داد و کلمات فارسی را وارد زبان خود کرد. پس از تأسیس پاکستان زبان بنگالی به زبان فارسی وارد و نزدیک‌تر شد. کلام اقبال به زبان بنگالی منتقل شد.

دکتر مقصود هلالی (۱۹۰۸-۱۹۶۹ م) فرهنگی تألیف نمود به عنوان عناصر فارسی و عربی در زبان بنگالی. به تحقیق او چهل درصد کلمه فارسی و عربی و مصطلحات در زبان بنگالی موجودند. ولیم گولد در فرهنگ مسلمانی (مطبوعه ۱۹۷۰ م) شش هزار کلمه فارسی و عربی را، که در زبان بنگالی رواج دارند، جمع آورد. از کتاب‌های منظوم فارسی رباعیات خیام، کلام سعدی و حافظ، شاهنامه فردوسی و مثنوی رومی، و از

۱. کلثوم ابوالبشر، «پیوستگی‌های موجود در میان دو زبان فارسی و بنگالی»، مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه قاره، اسلام آباد ۱۹۹۲، سخنوران ارکان نفوذ فارسی به زبان بنگالی»، دکتر عطا کریم برق، نامواره دکتر محمود افشار، مجلد دوم، تهران، ۱۳۶۵.

کتاب‌های منشور فارسی تذکره‌الاولیاء، سیاست‌نامه و کلیله و دمنه به‌بنگالی برگردانده شدند.

آغاز ارتقای زبان فارسی در استان مرزی شمال غربی (صوبه سرحد)

زبان این استان پشتو یا پختوست که یکی از شاخه‌های زبان هند و آریایی است. قبایلی از ایران و افغانستان به این سرزمین آمده اقامت گزیدند. اهالی این منطقه اسلام را قبول کردند و کلمات عربی و فارسی به زبانشان وارد شد. مردم زبان فارسی را آموختند تا با دفتر و دربار رابطه داشته باشند. با تأسیس مدارس و مساجد و وسایل آموزش زبان‌ها فراهم شد. در دوره حکومت تیموریان ظهیرالدین بابر، همایون، اکبر (۹۳۱-۱۰۱۴ هـ) علمای برجسته‌ای از این سرزمین سر برآوردند و برای اصلاح و تربیت مردم کتاب‌ها به پشتو و فارسی تألیف نمودند. بایزید انصاری صراط‌التوحید و خیرالبیان، آخوند درویزه تذکره‌الابرار و الاشرار و مخزن الاسلام را تألیف نمودند. شعرا نیز در هر دو زبان یعنی پشتو و فارسی شعر می‌سرودند. که باید از خوشحال خان ختک و پسرانش شرف خان و گوهر خان نام برد.

کتاب‌های نثر فارسی دربارهٔ مذهب و عرفان و تذکره‌های اولیاء تألیف شدند. از صوفیان بزرگ شیخ رحمکار و حاجی بهادر صاحب، شهرت گسترده داشتند چنان‌که بیشتر کتاب‌ها در شرح احوال و تعلیمات ایشان نوشته شده‌اند.

پس از حکومت تیموریان احمدشاه ابدالی و اولاد او از ۱۱۶۰ تا ۱۱۷۵ هـ و افغانان بارکزیایی از ۱۲۴۲ تا ۱۲۹۶ هـ بر این منطقه مسلط بودند. اینان علاقه به علم و ادب نداشتند. از این عهد تنها دو شاعر فارسی‌گو یعنی مصری خان گگیانی و معزالدین مهمند را می‌توان نام برد که دیوان‌هایشان چاپ شده‌اند. در عین حال علما به تدریس علوم دینی مشغول بودند و کتاب‌های درسی و شروح آنها را می‌نوشتند. از این روحانیون باید از محمد غوث قادری و محمد عمر چمکنی نام برد که کتاب‌ها در موضوعات دینی و عرفانی تألیف نمودند. یک دانشمند دوره محمد غوث قطب‌شاهی برای راهنمایی پادشاهان کتابی به نام ریاض‌الملوک تألیف نمود. از سال ۱۲۴۹ تا ۱۲۶۴ هـ / ۱۸۳۴ تا ۱۸۴۸ م سیک‌ها حکومت را به دست آوردند. در آن زمان حافظ محمد احسن معروف به حافظ درازا، آخوند علی احمد، مولانا محمد عظیم واعظ و محمد پارسا نقشبندی مشغول به ارشاد و هدایت مردم و تصنیف و تألیف بودند. از ۱۸۴۸ تا ۱۹۴۷ م انگلیسی‌ها این استان را متصرف بودند. در آن زمان آموختن زبان انگلیسی اجباری شد و

زبان اردو به عنوان زبان پیوستگی با استان‌های دیگر تدریس می‌شد. فارسی زبان اختیاری بود و در برابر، زبان عربی درسی بود. بعضی از صاحبان ذوق شعر فارسی را زنده داشته بودند مانند دلاور خان بیدل، رعنا کاظمی، فتح محمد کلاچی و قاضی طلا محمد. و علما رسائلی درباره موضوعات دینی و عرفانی تألیف می‌نمودند. برای انشاء‌نگاری و عرایض نویسی نیز کتاب‌هایی تألیف شد، مثل انشای قاضی، انشای لطیف، انشای میرافضل. کتابی هم در دستور فارسی و فرهنگ تألیف شد.

آغاز ارتقای فارسی در دکن (هند جنوبی)

همین که شهر دولت گیر به اسم نو دولت آباد به عنوان دارالسلطنه تعیین شد حکام و امراء و سپهسالار با خانواده‌هایشان به این جا منتقل شدند. شعرا، علما، ادبا و صوفیه نیز در این شهر اقامت گزیدند. اهالی آن جا با زبان فارسی آشنا شدند. و با مساعی صوفیان فعال مانند حسام‌الدین شیخ برهنه (م ۶۳۰)، بلخ شهید (م - ۶۹۱)، اسدالاولیا (م ۶۸۰)، بابا شرف‌الدین (م ۶۸۷)، بابا شهاب‌الدین (م ۶۹۱)، بابا فخرالدین (م ۶۹۴)، اسلام به گوشه و کنار کرناتک، میسور، مهاراشتر و مدراس رسید و شهرهای بزرگ مانند دولت آباد، احمدنگر، گلبرگه، تالی کوت، بالاگهات، گوگی، بیجاپور و ترچناپلی مراکز علمی و عرفانی و ادبی شدند. از بزرگان دینی و عرفانی که زندگی مذهبی و فرهنگی مردم را تغییر دادند می‌توان ابراهیم سنجاتی (م ۷۵۳)، برهان‌الدین غریب (م ۷۷۱)، سراج جنیدی (م ۷۸۱)، شیخ عین‌الدین گنج‌العلوم (م ۷۹۵) و محمد حسینی گیسودراز (م ۸۲۵) را نام برد.

پس از ازدیاد جمعیت مسلمانان تأسیس مدارس و مساجد امری طبیعی بود. از سلاطین بهمنی، فیروزشاه و احمدشاه قدردان زبان و ادب بودند. علما و ادبا و شعرا به دربار آنان وابسته بودند. عصایی فتوحات السلاطین را منظوم کرد. آذری بهمن‌نامه را تألیف نمود. سلطان محمود دوم (۷۸۹-۸۰۰) به وساطت میرفیض‌الله انجوی شیرازی حافظ شیرازی را به دکن دعوت کرد. پادشاه به محمد حسینی گیسودراز ارادت قوی داشت. ملفوظات و مؤلفات مرشد مقبولیت فراوان داشتند. یک شخصیت برجسته به نام خواجۀ جهان محمود گاوان، گیلانی بود. وی در احمدآباد مدرسه، مسجد، کتابخانه، و بازاری تأسیس نمود. خود او شاعر و ادیب بود و با مولانا عبدالرحمان جامی مکاتبه داشت. او برای راهنمایی مکتوب‌نویسی مناظرالانشاء و ریاض‌الانشاء را تألیف نمود و

برای گسترش زبان فارسی خدماتی انجام داد.

در عهد شاهان تیموری در دکن زبان فارسی زبان علمی و رسمی بود و لذا چیزی مانع پیشرفت آن نبود و زبان‌های محلی فقط وسیلهٔ محاورهٔ مردم بودند و تحت تأثیر زبان فارسی آمدند و لغات و اصطلاحات علمی و ادبی و انتظامی در آنها دخیل شد.

فارسی و اردو

در دورهٔ محمدشاه تیموری (۱۱۳۰-۱۱۶۱ هـ) زبان نوین اردو بیشتر رواج پیدا کرد. مردم آن را می‌فهمیدند و از مطالب آن لذت می‌بردند. شعرا در هر دو زبان فارسی و اردو شعر می‌سرودند. در زمان سلاطین متأخر کسانی همچون میر تقی میر، سودا، مؤمن، ذوقی، غالب، بهادرشاه متخلص به ظفر، علاوه بر فارسی به زبان اردو نیز دادسخنوری دادند. اسدالله خان غالب در سراسر پاکستان و هند برای شعر اردو معروفیت و مقبولیت دارد. ولی او خود به فارسی خود می‌نازد و می‌گوید:

فارسی بین تا ببینی نقش‌های رنگ رنگ

بگذر از مجموعهٔ اردو که بی‌رنگ من است

فارسی در دورهٔ حکومت انگلیسی‌ها

انگلیسی‌ها در آغاز حکومت خود دچار اشکال زبان شدند. و آموختن زبان فارسی را برای اولیای امور اجباری کردند. وارن هیستنگر در سال ۱۷۸۱ یک مدرسهٔ عالی در کلکته تأسیس نمود و در سال ۱۸۰۴ شعبهٔ انگلیسی فارسی آغاز شد. در سال ۱۸۱۵ به سفارش لرد منتو^۱ در شهرهای مختلف کشور دیرستان‌ها و دانشکده‌ها تأسیس شد و علاوه بر عربی و فارسی و سانسکریت زبان انگلیسی تدریس می‌شد. در سال ۱۷۸۴ «انجمن آسیایی بنگال» تأسیس شد و زیر نظارت آن کتاب‌های مهمی به فارسی و ترجمه‌های آنها به انگلیسی تهیه و چاپ شد. در مجلهٔ انجمن مقاله‌های تحقیقی چاپ می‌شد. در سال ۱۸۳۵ به سفارش لرد میکالی^۲ در تمام مدارس آموختن انگلیسی اجباری شد. و زبان‌های عربی و فارسی به صورت زبان‌های اختیاری درآمدند.^۳ لرد

1. Lord Minto
2. Lord Me Coulay

۳. فارسی زبان و ادب، مجموعهٔ مقالات، سیدعبدالله، ۱۹۷۷، ص ۲۱۳-۲۴۱.

ولزلی^۱ فورت ویلیام کالج را تأسیس نمود که در آن زبان‌های بومی نیز تدریس می‌شدند. کالج تا ۱۹۲۸ م ادامه داشت. تعداد انگلیسی‌دانان هندی به حد کفایت رسید و به توسط آنان کاروبار اداری روبه‌راه شد و برای انگلیسی‌ها آموختن زبان فارسی دیگر مورد احتیاج نبود.

فارسی پس از جدایی پاکستان از هند

پس از اجباری شدن انگلیسی تدریس زبان‌های فارسی و عربی به صورت درس‌های اختیاری در مدارس ادامه داشت. کتاب‌های درسی ابتدایی به توسط استادان باتجربه ترتیب و تألیف شدند. برای کلاس‌های دبیرستان‌ها، لیسانس و فوق‌لیسانس کتاب‌هایی آماده شد. کلاس‌ها به این ترتیب تا سال ۱۹۳۷ ادامه داشتند. در هند (بهارت) زبان هندی رسمی اعلام شد و آموختن آن برای هندوان و مسلمانان اجباری شد و تدریس فارسی به عنوان زبان خارجی در دانشگاه‌ها و در استان‌ها که اکثریت آنها مسلمان هستند، ادامه دارد. تدریس زبان‌های بومی مثل پنجابی در پنجاب، گجراتی در گجرات، بنگالی در بنگال، تامل، تلیگو و کناری در دکن جنوبی، مرهتی در مهاراشتر جریان دارد. زبان انگلیسی در هر دو کشور به صورت زبان اجباری تدریس می‌شود. در پاکستان به ترتیب سابق تدریس فارسی ادامه داشت. در سال ۱۹۸۶ برای کلاس‌های ششم تا هشتم آموختن زبان عربی اجباری شد و در نتیجه عده فارسی‌خوانان کمتر شد و آموزگاران فارسی هم بیکار شدند. اما در دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها کلاس‌های فارسی ادامه دارد. در کلاس‌های لیسانس تعداد دانشجویان فارسی اختیاری به حدود سی هزار نفر رسیده است. در دانشگاه‌های علوم انسانی بخش‌های فارسی موجود است و تدریس و تحقیق ادامه دارد. در بهارت در دانشگاه‌ها کلاس‌های ایم. ا. ایم. فل و بی ایچ دی ادامه دارند. در دبیرستان‌ها و مکاتب دینی تدریس فارسی رواج دارد و گلستان، مثنوی معنوی، اخلاق جلالی و اخلاق محسنی از کتاب‌های درسی هستند، ولی گفته می‌شود که متون کتاب‌ها برای هر دانشجو و دانش‌آموز دستیاب نیست. و لذا از متون عکسی استفاده می‌کنند.

تأثیر فارسی در زبان‌های بومی

در زبان سندهی. تا سال ۶۵۰هـ هیچ نمونه‌ای مکتوب از زبان و ادب سندهی به دست نیامده است تا تأثیر فارسی در آن زبان مشخص شود. در ادوار حکومت قبایلی ارغون و ترخان (۹۲۶-۱۰۰۱) رضابن عبدالواسع تهتوی، ملفوظات حضرت عبدالکریم را از سندهی به فارسی انتقال داد. در دوره حکومت کلهری‌ها شعر سندهی عرفانی از درویش بزرگ عبداللطیف بهتائی مقبولیت عامه داشت که از فکر مولانای روم استفاده کرد و ابیاتی از مثنوی را به سندهی ترجمه کرد. در کلام شعرای سندهی الفاظ و مصطلحات، تشبیهات و استعارات به کثرت به کار برده شده است. شعرای سندهی مانند گوا، مرتضائی، بلبل علوی و قلیچ تحت تأثیر شعر فارسی بوده‌اند. داستان‌های معروف مانند حاتم طائی، لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، امیر حمزه، چهار درویش از فارسی به نثر و نظم سندهی برگردانده شدند. در نتیجه حرف و حکایت، فکر و نظر، عشق و عرفان، سخاوت و شجاعت که موضوع این داستان‌ها بودند، اثر و نفوذی در مردم ایجاد کردند و زبان و مصطلحات فارسی وارد زبان سندهی شدند. دستور زبان سندهی بر نهج دستور فارسی درست شده است. لاقلاً ۲۵ درصد از کلمات زبان سندهی فارسی هستند (عبدالواحد سندهی، تأثیر فارسی در سندهی).

در زبان پشتو. قدیم‌ترین منظومه پشتو منظومه امیر گروه است که در ۱۳۹هـ نوشته شده است و هیچ کلمه فارسی و عربی در آن موجود نیست. ابو محمد هاشم‌البنی در اواخر سده سوم هجری منظومه‌یی عربی را به پشتو ترجمه کرد. در این ترجمه کلمات فارسی و عربی موجود است. در حکومت غزنویان و غوریان قصیده‌سرایی و مرثیه‌گویی رواج پیدا کرد و کلمات و اصطلاحات فارسی وارد پشتو شدند. از مطالعه کلام کاظم شیدا (قرن دوازدهم هجری) آشکار است که نه تنها فکر بلکه طرز بیان کاملاً تحت تأثیر فارسی درآمده است. مصادر و تصریف افعال نیز مشابه زبان فارسی هستند. قبلاً فقط تپه‌ها (منظومه یک مصرعی) نوع سخن پشتو به شمار می‌آمد. در عصر حاضر قصیده، غزل، مثنوی و رباعی از فارسی اخذ شده است و جزء سخن‌سرایی پشتوست (سیدانوارالحق، تأثیر فارسی در پشتو).

در زبان بلوچی. زبان بلوچی تا اندازه‌ای صورت شکسته و ریخته زبان فارسی است. مثلاً جمله «ای کبوتر تو خدمت دوستان بر» بلوچی است ولی نزدیک به فارسی است.

می‌گویند که قبایل بلوچ در حلب بودند و از آن جا هجرت نموده به ایران رفتند و از آن جا به مکران آمده مقیم شدند و سپس در منطقه‌های دیگر بلوچستان پخش شدند. تعداد زیادی از آنها در سراباز، پشین، ایمپود و ناحیه‌های دیگر زندگی می‌کنند و به فارسی حرف می‌زنند. در مدارس رسمی و غیررسمی در مکران، قلات و قاران، آموختن زبان فارسی اجباری است.

در زبان اردو. در حدود ۶۰ درصد کلمات فارسی و عربی در زبان اردو به کار برده می‌شود. صد درصد الفاظ و اصطلاحات دینی و عرفانی و اخلاقی و انتظامی و صنایع و بدایع مأخوذ از فارسی هستند. بحور و تشبیهات و استعارات تماماً از فارسی گرفته شده‌اند و مصادر و افعال پیشوند و پسوند از دستور فارسی هستند.

در زبان دکنی. با انتخاب دولت آباد به عنوان دارالسلطنه دکن، فارسی‌زبانان و هندی‌زبانان از دهلی به آن شهر منتقل شدند. علما و صوفیه برای تبلیغ اسلام زبان محلی را به کار آوردند. در نتیجه اختلاط مردم یک زبان نو به اسم دکنی به وجود آمد. صوفیه کتاب‌های دینی را به دکنی ترجمه کردند و کلمات و اصطلاحات فارسی رواج یافتند مثل احکام الصلوة، شرح تمهیدات همدانی، شمایل الاتقیاء و غیره. بعضی از رسایل فارسی به زبان دکنی منظوم شدند. مثل رساله کشف الاسرار، معراج نامه، وجود نامه، شفاعت نامه و غیره. در همین زبان مثنوی‌های عشقی مانند یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین سروده شدند. فارسی به آن اندازه مقبول شد که کلمات سانسکریت و پراکرت از زبان دکنی حذف شدند.

در زبان مرهتی. در سال ۱۳۹۶ م که مهاراشتر تحت تسلط مسلمانان درآمد زبان آن مرهتی بود. چون زبان حکمرانان فارسی بود منشآت و مراسلات اداری و درباری به زبان فارسی نوشته می‌شدند و مصطلحات رسمی و انتظامی در زبان مرهتی رواج یافتند. کلمات و اصطلاحات ساختمان‌سازی، موسیقی، خطاطی، مراسم درباری، لشکری و خانه‌داری وارد زبان مرهتی شدند.^۱ در دوره حکومت شیواجی و پیشوائیان (۱۷۱۳-۱۸۱۸ م) برای اخراج کلمات فارسی از زبان مرهتی کوشش‌هایی به عمل آمد. و کلمات

1. Sources of Marthvi History, Preface, 8th Volume, Rejwadel.

مرهتی زبان پرفارسی کاتر، عبدالحق، اورنگ آباد، ۱۹۳۳.

مرهتی به جای کلمات فارسی وضع شدند و لیکن رواج نیافتند. در زمان حکومت انگلیسی‌ها پروفیسور پت وردهن شاعر مرهتی زبان بحور فارسی را به کار برد و غزل‌ها و رباعی‌ها به فارسی نوشت.

در زبان کشمیری، در زبان کشمیری علاوه بر افعال، کلمات فارسی در صورت‌های تغییر یافته یافت می‌شوند.

در زبان پنجابی، گذشته از اردو نیمی از کلمات و اصطلاحات متعلق به مذهب و تصوف و ادب در زبان پنجابی، مأخوذ از فارسی و عربی است و منظومات پنجابی تحت تأثیر شعر و هنر فارسی بوده‌اند.

تدریس زبان فارسی

در شبه قاره برای آموختن و یاد دادن زبان فارسی به کودکان فرهنگ‌های کوچک منظوم تألیف شد. کلمه فارسی یا عربی مستعمل در فارسی را همراه با معنای آن به زبان هندی / هندوستانی به نظم درمی‌آوردند و بچه‌ها به آسانی آنها را حفظ می‌کردند. فرهنگ‌هایی مثل نصاب‌الاکخوان از مولانا بدیع، نصاب‌الصیبان از ابونصر فراهی، نصیب‌اکخوان (۷۲۲هـ) از مظهر کره مدت‌ها کتاب‌های درسی بودند. کتاب دیگر به نام خالق باری منسوب به امیر خسرو (م ۷۲۵) تا سال ۱۱۸۰ از مقبول‌ترین کتاب‌های درسی به شمار می‌آمد. در سال ۱۰۶۰هـ کتابی به عنوان العبدخدائی در پیروی خالق باری سروده شد.^۱

در دوره حکومت شرشاه سوری (۹۴۶-۹۵۲هـ) هندوان نیز مایل به آموختن فارسی شدند، در انشاءنویسی مهارتی به دست آوردند و در دیوان انشاء استخدام شدند. از خود برای آموختن انشاء کتاب‌ها تألیف نمودند که به صورت کتاب‌های درسی درآمدند مثل مادهورام، انشای هرکرن، انشای لعل و غیره. برای آموختن اصول و قواعد زبان فارسی دستورنامه‌ها هم تألیف شدند، مثل میزان‌الصرف و پنج‌گنج و غیره. در دوره حکومت اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸هـ) برای آموختن نامه‌نگاری کتاب‌های زیر درسی بودند: بدایع‌الانشاء، انشای یوسفی، انشای ملا منیر، مکاتیب ابوالفضل، بهار سخن از

۱. مقالات محمود شیرانی، مرتبه مظهر محمود شیرانی ج ۲، ص ۶۰۲.

محمد صالح و مکتوبات ملا طغرا.

برای سهولت کار دانش آموزان فرهنگ‌های لغت نیز تألیف شدند مثل: فرهنگ‌نامه از فخرالدین مبارک غزنوی، زبان‌گویا از ملا رشید، دستورالافاضل از مولانا رفیع‌المعروف به حاجب‌الخیرات، ادات‌الفضلاء (۸۷۲هـ) از محمدبن داودشاه آبادی، مفتاح‌الفضلاء (۸۷۲هـ) از ابراهیم قوام فاروقی، تحفة‌السعادت (۹۱۶هـ) از محمود بن شیخ ضیاء. در دوره حکومت اکبر و جهانگیر (۹۶۳-۱۰۳۷هـ) برای آموزش شاهزاده‌ها کتاب‌های زیر از کتاب‌های درسی بودند: شاهنامه، ظفرنامه، کلیله و دمنه، اخلاق ناصری، اخلاق جلالی، منتخب‌کیمیای سعادت، مثنوی مولانا رومی، حدیقه، جام‌جم. موضوعاتی مانند حساب سیاق، ظلمات، مساحت، هندسه، نجوم، رمل، تدبیر منزل، سیاست مدن، طب، منطق، طبیعیات، ریاضی و تاریخ تدریس می‌شدند.^۱

آموزشگاه‌های فارسی

در شبه‌قاره در ادوار حکومت مسلمانان با مساعی پادشاهان، امرا و اشخاص ثروتمند در تمام شهرهای بزرگ مدرسه تأسیس شد که در آن علاوه بر علوم اسلامی زبان فارسی هم تدریس می‌شد. در لاهور، دهلی، آگره، لکهنو، تهته، مالوه، جونپور، بیجاپور، گولکنده، بیدر، دهاکه، مرشد آباد، کلکنه، پتنه، مدراس، احمدنگر، احمدآباد گجرات، ملتان، رامپور، حیدرآباد، بهوپال مدارس و مکاتب برجسته‌ای موجود بود. بعضی از علمای شهیر مدرسه‌های شخصی داشتند که دانش‌طلبان از دور و نزدیک از حضورشان استفاده می‌کردند. مساجد نیز محل آموزش و پرورش بودند.

اداره‌های نشر و اشاعت زبان و ادب فارسی

در شبه‌قاره اداره‌هایی وجود داشتند که برای چاپ و نشر کتاب‌های زبان و ادب خدمت‌مندی انجام می‌دادند و بعضی از آنها در حال حاضر مشغول به این خدمت هستند که از آنها می‌توان اداره‌های زیر را نام برد.

اقبال آکادمی (لاهور)، بلوچی آکادمی (کوئته)، پنجاب ادبی آکادمی (لاهور)، پاکستان هستاریکل سوسائتی (کراچی)، پشتو آکادمی (پیشاور)، ریسرچ سوسائتی

پاکستان، پنجاب یونیورسٹی (لاہور)، سندھ ادبی بورڈ (حیدرآباد)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (اسلام آباد)، مؤسسہ تحقیقات آسیای میانه و غربی (دانشگاه کراچی)، نیشنل بک فاؤنڈیشن (لاہور)، ایشیاتک سوسائٹی آف بنگلا (کلکتہ)، خدابخش اورینٹل پبلک لائبریری (پتہ)، ادارہ تحقیقات فارسی (پتہ)، انجمن ترقی اردو (کراچی)، دارالمصنفین (اعظم گرہ)، مغربی پاکستان اردو اکیڈمی (لاہور)، کلیہ علوم اسلامی و السنہ شرقیہ (دانشگاه پنجاب)، ادارہ معارف نوشاہیہ (ساہیال).

ناشران و چاپخانہ‌ها که در نشر و اشاعت کتاب‌های زبان و ادب فارسی خدماتی انجام داده‌اند:

مطبع نولکشور کانپور (لاہور)، ادارہ اشاعت سرحد (پشاور)، اللہ والی کی دکان (لاہور)، شیخ الہی بخش محمد جلال الدین (لاہور)، شیخ جان محمدالہ بخش (لاہور)، شیخ غلام علی ایندسنز (لاہور)، شیخ مبارک علی (لاہور)، پنجاب یونیورسٹی (لاہور)، مجلس ترقی ادب (لاہور)، قومی ادارہ تاریخ و ثقافت اسلام (اسلام آباد)، پیکی جز لمیٹد (لاہور)، سنگ میل پبلی کیشنز (لاہور)، فیروز سنز (لاہور)، مدینہ پبلیشنگ ہاوس (لاہور)، مکتبہ رشیدیہ (لاہور) مکتبہ نبویہ (لاہور)، مکتبہ نعمانیہ (سیالکوٹ)، ملک دین محمدابن سنز (لاہور)، نفیس اکیڈمی (کراچی)، نور محمداصلاح المطابع (کراچی)، نیشنل پبلیشنگ ہاوس (کراچی)، مکتبہ آصفیہ (حیدرآباد، دکن)، مکتبہ مصطفائی (دہلی)، کتابستان (الہ آباد).

تصنیف و تالیف به زبان و ادب فارسی

در دوره حکومت غزنویان و غوریان (۳۸۹-۶۰۲ھ) بعضی از شعرا که وابسته به دربار شاهان و امرا بودند، ساکن لاهور بودند. بعضی دیگر به ہمراهی حکمرانان از غزنہ و ناحیہ‌های دیگر به لاهور آمدند. از شعرای قدیم این سامان می‌توان ابو عبداللہ روزبه نکتی لاهوری، ابوالفرج رونی، سراج‌الدین منہاج، حمیدالدین مسعود شالی‌کوب، ثقه‌الدین یوسف بن محمد دربندی، سدیدالدین ابوالمحاسن یوسف بن نصر را نام برد. دیوان‌های مسعود سعد و ابوالفرج رونی دستیاب هستند. منتخبانی از کلام شعرای دیگر در تذکرہ لباب الالباب عوفی مضبوط است.

کتاب‌هایی که در این دوره تالیف شدند: کشف‌المحجوب علی بن عثمان‌الہجویری،

آداب الحرب و الشجاعة و بحرالانساب از فخر مدبر، کلبه و دمنه بهرامشاهی از ابوالمعالی، تاج‌المآثر از حسن نظامی.

تصنیف و تألیف در ادوار حکومت سلاطین دهلی

دوره حکومت سلاطین دهلی از ۶۰۲ تا ۹۳۱ ه. ادامه یافت. سلاطین مملوک خلجی، تغلق، سادات و لودهی تخت‌نشین بودند. از این میان سلاطینی همچون شمس‌الدین ایلتتمش، ناصرالدین محمود، غیاث‌الدین بلبن، جلال‌الدین خلجی، علاء‌الدین خلجی، فیروزشاه تغلق، محمدتغلق، سلطان سکندر پادشاهان جلیل‌القدر بودند که حدود سلطنت را توسعه دادند و حکومت استحکام یافت. ایشان برای فلاح و بهبود حال عامه خلائق خدماتی انجام دادند. مدارس و مساجد تأسیس نمودند. علما و ادبا و شعراء را گرامی داشتند. زبان و ادب فارسی بیشتر رواج پیدا کرد. در موضوعات علوم و فنون و ادب و تصوف کتب و رسائل تألیف شد و بعضی از کتاب‌ها از زبان‌های عربی و سانسکریت به فارسی ترجمه شدند که فهرست مختصری از آنها از این قرار است.

تذکره شعراء، لب‌الباب از عوفی، جوامع‌الحکایات از عوفی.

تاریخ. طبقات ناصری از قاضی منہاج سراج، تاریخ فیروزشاهی از ضیاء‌الدین برنی، تاج‌المآثر از حسن نظام، فتوحات فیروزشاهی از سلطان فیروزشاه تغلق، تاریخ فیروز شاهی از شمس‌الدین عقیف، خزائن‌الفتوح از امیرخسرو، تاریخ مبارک شاهی از علی‌بن محمود ملقب به شهاب حکیم، تاریخ مظفر شاهی از مظفری خاندان کی تاریخ، طبقات محمود شاهی از عبدالکریم، تاریخ ناصری یا ناصرشاهی از شاه مالوه سلطان ناصرالدین ک عهدک واقعات، تاریخ مظفرشاهی ثانی از خالقی، واقعات شادی آباد (مانده) کابیان.

کتاب‌های تاریخی منظوم (مثنوی). قران‌السعدین، مفتاح‌الفتوح، دولرانی خضرخان؛ نه سپهر، تغلق‌نامه (تصنیفات امیرخسرو)؛ فتح‌السلطین، عصامی.

تواریخ ترجمه شده از عربی. چچ‌نامه ترجمه منہاج‌السالکین، از علی بن عابد کوفی، اخبار برمکیان، ترجمه از ضیاء‌الدین برنی، الفرج بعدالشدیة از قاضی ابوالحسن تنوخی. تفسیر. تفسیر تاتارخانی، امیر تاتار خان، غیاث‌الدین تغلق ک نام؛ تفسیر بحر متواح، شهاب‌الدین احمد دولت‌آبادی.

فقه. فقه فیروزشاهی، صدرالدین یعقوب مظفرکرامی؛ فتاوی قراخانی، صدرالدین یعقوب مظفرکرامی؛ فتاوی تاتارخانی، فریدالدین عالم اندریتی؛ مجموعه خانی فی

عين المعاني، كمال ناگوری؛ فتاویٰ ابراہیم شاہی، شہاب الدین احمد دولت آبادی؛ فوائد فیروز شاہی، شریف محمد العطائی؛ فتاویٰ جہاندارنی، ضیاء الدین برنی.

مصنفات علما و صوفیہ.

طوالع الشمس، قاضی حمید الدین ناگور؛ شرح فقہ اکبر؛ شرح رسالہ قشیرہ، میر محمدی؛ انوار المجالس؛ جوامع الکلم؛ شرح فصوص الحکم؛ حدائق الانس؛ اسماء الاسرار؛ شرح تصوف (خواجہ بندہ گیسو دراز) امیر حسینی؛ نزہۃ الارواح؛ صراط مستقیم؛ طرب المجالس؛ زاد المسافرین؛ کنز الرموز رکن الدین دبیر گلشانی؛ نغایس الانفاس؛ شمایل الاتقیاء؛ رسالہ غریب؛ زاد المسافرین؛ رموز الواصلین؛ افکار المذکور؛ تفسیر رموز.

ضیاء الدین فخشبی. سلسلۃ السلوک؛ طوطی نامہ؛ عشرۃ مبشرہ؛ کلیات و جزئیات، ناموس اکبر، گلریز جلال الدین بخاری، مقرر نامہ، رسالہ کلیہ، اربعین صوفیہ، فوائد رکتی، رسالہ مکبہ فردوسیہ، ارشاد الطالبین، شرف الدین یحییٰ منیری، شرح آداب المریدین؛ ارشاد السالکین؛ فواید المریدین، اجویہ، عقاید اشرفی، لطایف المعانی، وصول الی اللہ تتمہ محک الطالبین.

سید علی ہمدانی (بی شمار تصانیف): شرح فصوص الحکم، شرح اسماء الحسنی، مرآۃ التائبین، آداب المریدین، ذخیرۃ الملوک، رسالہ عقلیہ، درویشیہ، فقریہ، ہمدانیہ، وجودیہ، نوریہ، مشارب الاشواق، سیر الطالبین، اعتقادیہ، صفویہ، فتوحیہ، منازل السالکین، دہ قاعدہ، منہاج العارفین، اوراد فتحیہ، آداب مبتدی و طالبان، حضرت صمدی، مکارم الاخلاق.

خواجہ مسعود بک غازی: التمهید المہتدین بر طبق تمہیدات عین القضاة ہمدانی.

اشرف جہانگیر سمنانی: بشارۃ المریدین، مکتوبات اشرفی.

نور قطب عالم: انیس الغریاء.

علاء الدین علی المہاتمی: شرح فصوص الحکم، الزوارف فی شرح عوارف المعارف، رسالہ در وجود اعراب، اجلۃ المسانید فی شرح ادلۃ التوحید، شرح جام جہان نما، اسرار الفقہ و محاسن شریعت.

سید محمد علی دہلوی: بحر المعانی.

سماء الدین دہلوی: مفتاح الاسرار.

سید یحییٰ الترمذی قنوجی ثم الگجراتی: مجالس برہانی، مشاغل برہانی، مشاغل جلال، مشاغل متلالی.

حسام الدین مانکپوری: انیس العاشقین.

جمال الدین ہانسوی: رسالہ ملہمات.

شعیب بن جلال منیری: مناقب الاصفیاء.

حسن بن حسین بلخی: رسائلی، لطائف المعانی.

شیخ بہاء الدین شطاری: رسالہ شطاریہ.

مؤید جاجرمی: سرمکتوم ترجمہ احیاء علوم غزالی.

ملفوظات

نام	مصنف	مرتب (گرد آورنده)
انیس الارواح	عثمانی ہاروتی	معین الدین چشتی
دلیل العارفين	معین الدین چشتی	قطب الدین بختیار کاکی
سرور الصدور	حمید الدین صوفی ناگوری	شیخ فرید مسعود
فوائد السالکین	قطب الدین بختیار کاکی	فرید مسعود گنج شکر
راحة القلوب	فرید مسعود گنج شکر	نظام الدین اولیاء
فوائد الفؤاد	نظام الدین اولیاء	حسن سجزی
افضل الفوائد	نظام الدین اولیاء	امیر خسرو
راحت المحبتین	نظام الدین اولیاء	؟
جوامع الكلم	محمد گیسو دراز	شاه حسن الحسنی
خلاصة الالفاظ جامع اسلام	مخدوم جہانیاں جہانگشت	ابو عبد اللہ علاء الدین علی
سراج الہدایہ	مخدوم جہانیاں جہانگشت	عبد اللہ
خزانہ جلالی	مخدوم جہانیاں جہانگشت	بہاء بن حسن
جوہر جلالی	مخدوم جہانیاں جہانگشت	فضل اللہ العباسی
حصول الوصول	برہان الدین غریب	حماد کاشانی
ہدایۃ القلوب	برہان الدین غریب	شیخ حسین
نقایس الانفاس	برہان الدین غریب	رکن الدین کاشانی
خیر المجالس	نصیر الدین محمود چراغ	مولانا حمید

معدن المعانی	شرف الدین یحیی منیری	زین بدر عربی
خوان پر نعمت	شرف الدین یحیی منیری	زین بدر عربی
راحت القلوب	شرف الدین یحیی منیری	زین بدر عربی
مخ المعانی	شرف الدین یحیی منیری	شہاب الدین عماد
لطایف اشرفی	سید اشرف جہانگیر سمنانی	نظام الدین یمنی

تذکرہ و سوانح

منظر الانساب فی ترجمہ و فیات الاعیان: یوسف بن احمد.

سیر الاولیاء: سید محمد مبارک.

سیر العارفین: فضل اللہ جمالی.

تذکرہ قطبیہ: جمال الدین ابابکر.

تذکرہ حمیدیہ: شہر اللہ.

انوار العیون فی اسرار المکتون: عبدالقدوس گنگوہی.

مناقب غوثیہ: محمد صادق شہابی.

مناقب شاہ مینا: محی الدین حسینی.

تاریخ حمیدی (تذکرہ مرشدی): عبدالعزیز.

منبع الانساب: مبین الحق.

ملفوظات احمد مغربی: محمد بن ابی القاسم.

علم طب

کفایہ مجاہدیہ (تشریح منصورى): محمد بن عبداللہ لاری.

طب سکندری: میان بہوہ.

مناصل الانظار (ادویہ مفردہ): محمد بن عبداللہ لاری.

شفاء الخالی: عبدالکریم قوام ناگوری.

جزئیات و کلیات: ضیاء الدین نخشبی.

تراجم: سنسکریٹ بہ فارسی.

فرس نامہ ہندی: ابوالحسین بن سیدہاشم.

لذت النساء یا عشرت الملوک: ضیاء الدین نخشبی.

انشاء

اعجاز خسروی: امیر خسرو.

منشآت ماهرو: عین الملک ماهرو.

مناظر الانشاء: محمود گاوآن.

تصنیف و تالیف در عهد جلال الدین محمد اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۱۴هـ)

اگرچه جلال الدین محمد اکبر پادشاه تیموری باسواد و حرف خوان نبود، ولی زیرک و باهوش بود. با علوم و فنون آشنا بود. ذوق شعر داشت. کتاب های معتبر از اخلاق و تاریخ و ادب را برای او می خواندند. وی برای ترقی علوم و فنون کوشش های فراوان نمود. علما، فضلا، اطبا و دانشوران دیگر در دربار او گرد آمده بودند. منصب ملک الشعرايي را ایجاد کرد. غزالی مشهدي نخستین ملک الشعراي دربار او بود. بعداً فیضی به این سمت سرفراز شد. در آیین اکبری ۵۹ نفر شاعر مذکور است که به دربار او وابسته بودند. مساعی او در سهل و آسان کردن فارسی مورد ستایش است. زیرا که معمولاً کتاب های انشاء و ترسل، تاریخ و ادب به اسلوب مصنوع نوشته شده اند، و فهمیدن آنها برای عموم مردم مشکل است. ابوالفضل انوار سهیلی را به زبان سهل و ساده نوشت و عیار دانش نام داد. وی آیین اکبری را به فارسی سره به قلم درآورد. در مدارس علاوه بر متون نثر و نظم، موضوعات فلسفه، نجوم، ریاضی و علوم دیگر تدریس می شدند. پادشاه برای استحکام و گسترش فارسی سعی مثبت انجام داد. برای کتابت و آرایش مسوده ها هنرهای جوهر سازی، کاغذ سازی، رنگ سازی، تصویر کشی و خطاطی را رواج داد. در سال ۹۹۰هـ تمام مکاتبات در خصوص حاصل زمین از هندی به فارسی منتقل شدند. تألیفات این دوره از این قرار هستند:

تاریخ

تذکره الواقعات: جوهر آفتابچی؛ همایون نامه: گلبدن بیگم؛ اکبرنامه و آیین اکبری: ابوالفضل؛ ظفرنامه احمدآباد: فیضی؛ تذکره همایون و اکبر: پایزید بیات؛ طبقات اکبری:

نظام الدين احمد؛ منتخب التواريخ: عبدالقادر بدايوني؛ تاريخ القمي: نقيب خان، بدايوني، احمد تهتوي؛ حالات اسديگ: اسديگ؛ تاريخ حقي: عبدالحق؛ زبدة التواريخ: نورالحق؛ اكبرنامه: فيض سترهندي؛ تاريخ گجرات: شاه ابو تراب؛ تاريخ فرشته: ابوالقاسم فرشته؛ برهان المآثر: علي بن عزيزالله طباطبائي؛ تاريخ سلاطين افاغنه، احمد يادگار؛ تاريخ شيرشاهي: عباس خان؛ تاريخ داودي: عبدالله.

لغت

فرهنگ قوام: محمدفخرالدين مبارك شاه؛ دستورالافاضل: رفيع دهلوي المعروف به حاجب خيرت؛ بحرالفضائل في منافع الافاضل: فضل الدين محمد؛ ادات الفضلاء: قاضي خان محمدبدر محمد دهلوي؛ زفان گويا: بدر ابراهيم؛ مفتاح الفضلاء: محمدبن داود؛ شرفنامه منيري: ابراهيم قوام فاروقي؛ مجمل المعجم: عاصم شعيب عبدوسي؛ تحفة السعادت: محمود بن ضياء الدين؛ مؤيدالفضلا: محمدبن شيخ لاد؛ فرهنگ ابراهيم شاهي.

تذكرة شعراء

روضة السلاطين: سلطان محمدفخري؛ جواهر المعائب: سلطان محمد فخري؛ نفيس المآثر: علاءالدوله كامي (٩٨٣هـ)؛ مجمع الفضلا: محمد عارف بقائي (٩٩٤هـ)؛ بزم آرايي: علي بن محمودالحسيني (١٠٠٠هـ)؛ هفت اقليم: ابن احمد رازي (١٠٠٢هـ)؛ خلاصة الاشعار و زبدة الافكار: تقى الدين كاشي (٩٨٥-١٠١٦هـ)؛ خلاصة الشعراء و بتخانه: محمدصوفي مازندراني (١٠١٠هـ).

تذكرة الاولياء و حکما

اخبارالاخير: عبدالحق دهلوي (٩٩٠هـ)؛ خلاصة الحيوان: احمد تهتوي (٩٩٣هـ).

نجوم و هيأت

رساله در بيان هيأت عالم سفلي و علوي: عبدالمجيد؛ سراج الاستخراج: فريد دهلوي (١٠٠٦هـ).

ترجمه‌های سنسکریت به فارسی

مفرح القلوب ترجمه هتوایدیشن: تاج‌الدین مفتی (۸۹۳۷هـ)؛ ترجمه مها بهارت: عبدالقادر و دیگر (۸۹۹۵هـ)؛ ترجمه راماین: نقیب خان و دیگر (۸۹۹۹هـ)؛ ترجمه بهگوت گیتا: فیضی؛ جوک بانست: نظام‌الدین پانی پتی (۱۰۰۶هـ)؛ راج ترنگتی: شاه محمد (۸۹۹۸هـ)؛ امواج خوبی: خوب ترنگ (۸۹۹۹هـ)؛ بحرالحیات: امرت کند شاه محمد غوث گوالیاری (۹۷۰هـ)؛ هرنس بران: ملاشیری؛ لیلوتی (الجبرا، جیومیتری)، فیضی (۸۹۹۵هـ)؛ ترجمه کتھاسرت ساگر: فیضی؛ شارق‌المعرفت: یوگ و دشست: فیضی؛ سنگهن بیتسی: عبدالقادر بدایونی؛ سنگهن بیتسی: منشی سید مظفر؛ القران: فیضی و دیگر؛ تاجک (علم نجوم) مکمل خان گجراتی.

ترجمه‌های فارسی به عربی

شرح حصن حصین: حاجی محمد کشمیری (۹۹۶هـ)؛ براهین قاطعه، ترجمه صواعق‌المحرقة: کمال‌الدین جهرمی (۹۹۴هـ)؛ هدایت‌الرمیل: هدایت‌الله؛ ترجمه معجم‌البلدان: احمد تهتوی و دیگر؛ کلیات القانون: حکیم فتح‌الله شیرازی؛ فتاحی، ترجمه القانونچه: ابوالفتح گیلانی؛ بحرالبلدان، ترجمه آثارالبلاد و اخبارالعباد.

انشاء

مکاتبات علامی: ابوالفضل؛ لطیفه فیاضی: فیضی؛ رقعات: ابوالفتح گیلانی؛ سه نثر: ظهوری؛ منشآت نمکین: ابوالقاسم نمکین (۱۰۰۶هـ).

پرتال جامع علوم انسانی

لغت

فتح‌الکتاب: ابوالخیر انصاری؛ فرهنگ مشیرخانی: مشرخان (۹۵۵هـ)؛ مجموع‌اللغات: ابوالفضل (۹۸۴هـ)؛ انیس‌الشعراء: عبدالکریم (۹۹۸هـ)؛ مدارالافاضل: الهداد فیضی (۱۰۰۱هـ).

موسیقی

تحفة‌الادوار: عنایت‌الله؛ کاشف‌الآوتار: قاسم بخاری.

طب (در عهد بابر و همایون)

یوسف هروی: قصیده یوسفی؛ دلایل البول؛ دلایل النبض؛ رساله شناختن قارون؛ رساله ستہ ضروریہ.

محمد بیگ: دستورالقصده؛ خواص الاشیاء.

رستم جرجانی: ذخیره نظام شاهی؛ رساله حمیات؛ اسرارالنساء؛

زین العابدین: رساله فیضیه.

طب (در عهد اکبری)

قربابادین شفای: مظفر بن محمد شفائی؛ احقاتی التجربه: عبدالمفتاح لاهوری؛ اختیارات قطب شاهی: محمد مؤمن.

طب

رساله مقداریه: محمد مؤمن؛ انتخاب تذکره الشهوة: صفی الدین محمد (۹۸۵هـ)؛ خلاصه بینائی: شیخ بینا (۹۹۶هـ)؛ ترجمه تذکره الکحالیین: شمس الدین علی (۹۹۷هـ)؛ فتاحی: ابوالفتح؛ ترجمه کلیات قانون: فتح الله گیلانی (۱۰۰۲هـ)؛ فوائد الانسان: عین الملک شیرازی (۱۰۰۴هـ).

مذهب و تصوف

بایزید انصاری: صراط التوحید، فخر الطالبین، مقصود المؤمنین، خیراللیان.

متفرق

عیار دانش: ابوالفضل؛ طوطی نامه: ابوالفضل؛ برایتہ الرامی: محمد بهره.

تصنیف و تالیف در عهد جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷هـ)

جهانگیر سرپرست و قدردان علوم و فنون بود. قریحه شعری خوب داشت. علم عروض بلد بود. بر حسن و قبیح شعر انتقاد می کرد. به هنرهای زیبا مانند تصویرکشی، نقاشی؛ خطاطی و موسیقی علاقه مفرط داشت. امرای دربار او نیز به علم و ادب علاقه مند بودند. به قول مجمع الشعراء جهانگیری ۱۵۱ شاعر وابسته به دربار جهانگیری بودند.

تألیفات این دوره حکومت از این قرار هستند:

عبدالحق دهلوی، ۱۱۶ کتاب و رساله؛

نورالله شوشتری، تألیفات متعدد؛

ابوالمعالی قادری: تحفة القادریه؛ نعمات داودی؛ مونس جان؛ گلدسته باغ ارم؛ رساله

شوقیه؛ هشت بهشت.

عیس خیرالله: روضة الحسنی؛ عین المعانی؛ انوار الاسرار؛ رساله حواس پنج گانه؛ شرح

کتاب انسان کامل؛ رساله قبله المذاهب اربعه؛ فتح محمدیه؛ ترجمه اسرار الوحی؛ رساله

وحدت الوجود، و دیگر رسائل.

تألیفات به ترتیب موضوع

حدیث: اشعة اللمعات شرح مشکواة: عبدالحق دهلوی.

سیرت: مدارج النبوة: عبدالحق دهلوی.

تاریخ

مآثر رحیمی: عبدالباقی نهاوندی؛ توزک جهانگیری: نورالدین جهانگیری؛ اقبالنامه

جهانگیری: محمدشرف (۱۰۲۹هـ)؛ مآثر جهانگیری: کامگار حسین (۱۰۴۰هـ)؛

انفع الاخبار: محمدامین (۱۰۳۶هـ)؛ منتخب التواریخ: حسن بن محمد خاکس شیراز

(۱۰۱۹هـ)؛ تاریخ طاهری: طاهر محمد نسیانی (۱۰۱۸هـ)؛ مرآة سکندری: سکندر بن

محمد (۱۰۲۰هـ)؛ نسب نامه شهریاران (منظوم): فرسی (۱۰۱۶هـ)؛ تاریخ سلطان محمد

قطب شاهی؟ (۱۰۲۵هـ)؛ مآثر قطب شاهی: محمود بن عبدالله (۱۰۳۸هـ)؛ تاریخ خان

جهانی یا مخزن افغانی: نعمت الله (۱۰۲۱هـ)؛ تذکرة الملوک: میر رفیع الدین شیرازی

(۱۰۱۷هـ)؛ تاریخ داودی: عبدالله؛ بیگلارنامه: ادراکی بیگ (۱۰۱۷هـ).

تذکرة شعراء

عرفات العاشقین: تقی الدین محمد اوحدی (۱۰۱۷هـ)؛ تذکرة خرابات:؟؛ میخانه:

عبدالنبی خان (۱۰۳۸هـ)؛ تاریخ جهانگیری: مطربی سمرقندی (قبل از ۱۰۳۷هـ)؛

مجمع الشعراء جهانگیری: قاطعی.

تذكرة اولياء

گلزار ابرار: محمد غوثی (۱۰۳۲هـ).

اخلاق جهانگیری:

موعظة جهانگیری: ؟ (۱۰۲۱هـ)؛ اخلاق جهانگیری: نورالدین محمد (۱۰۳۱هـ).

طب

مفردات نامی: سید معصوم نامی (م - ۱۰۱۹هـ)؛ میزان الطبایع: تقی الدین (۱۰۲۰هـ)؛ طب صدیقی: ابوبکر صدیق ناگوری (۱۰۲۴هـ)؛ تاریخ المجربات: تاج الدین (م ۱۰۳۰هـ)؛ الفاظ الادویه: نورالدین محمد (۱۰۳۸هـ)؛ اختیارات قاسمی: محمد قاسم فرشته (۱۰۳۰هـ)؛ گنج باد آورد: امان الله (۱۰۳۵هـ)؛ ام العلاج: امان الله (۱۰۳۶هـ)؛ دستورالهندو: امان الله.

ترجمه های فارسی به هندی / سانسکریت

راماین: گروه داس (۱۰۳۶هـ)؛ مثنوی رام وسیتا: سعدالله مسیح؛ سنگهاسن بتیسی: بهارامل کهتری (۱۰۹۱هـ)؛ کشن بلاسی: کشن داس؛ مثنوی رت پدم: عبدالشکور بزمی؛ عصمت نامه: حمید کلانوری (۱۰۱۶هـ)؛ کامروپ و کام لتا: میر کاظم حسین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترجمه های فارسی به عربی

جاویدان خرد: تقی الدین محمد؛ سراج الملوک فی عدل والسلوک: عبدالحق؛ اشعة اللمعات فی شرح المشکوة: عبدالحق؛ شرح سفر السعادة: عبدالحق؛ ترجمه دیباچه قاموس: عبدالرحمن.

انشاء

انشاء طرب الصبيان: نورالدین محمد (۱۰۳۷هـ)؛ زبدة الانشاء: ؟ (۱۰۳۷هـ).

لغت:

فرهنگ جهانگیری: جمال الدین حسن (۱۰۳۲هـ)؛ دَرَدَری: علی یوسفی (۱۰۱۸هـ)؛

چهار عنصر دانش: امان‌الله حسینی (۱۰۳۷هـ).

مذهب و تصوف

شیخ احمد سرهندی: رساله معبد و معاد؛ معارف لدنیه؛ رساله در رد فرائض؛ مکتوبات در سه جلد؛ مقصود الصالحین؛ اثبات النبوة؛ آداب المریدین؛ رساله تهلیلیه؛ تحقیق قیومیت؛ رساله علم حدیث؛ مسئله وحدت الوجود؛ مکاشفات غیبیه؛ تعلیقات عوارف؛ تعین و لاتعین.

متفرق

شکرستان: محمد مؤمن عرشی (۱۰۳۱هـ)؛ سراج المنیر: محمد شریف (۱۰۳۰هـ).

تصنیف و تالیف در عهد شاهجهانی

زمان حکومت شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸هـ) بیش از اندازه پرامنیت و نمایانگر شکوه سلطنت بود. وی تقوا شعار، علم دوست و قدردان علما، فضلا، و شعرا و والد هنرهای زیبا مانند تصویرکشی، موسیقی بالخصوص ساختمان سازی بود. بخشش‌های کریمانه او شهرة آفاقند. امرا و وزرا مثل سرور خود قدردان سخنوران بودند. شاهزادگان مثل پدر خود، سرپرست دانشمندان و شاعران بودند. دارا شکوه شاعر و صوفی و اورنگ زیب عالم و دانشمند بود. کتاب‌هایی که در عهد شاهجهانی تألیف شدند از این قرار هستند:

تاریخ

عمل صالح: محمد صالح کنبوه؛ پادشاه نامه: میرزا امینا؛ پادشاه نامه: عبدالحمید لاهوری (دو جلد)؛ پادشاه نامه: (جلد سوم): وارث خان؛ چهار چمن: چندربهان برهمن؛ آثار شاهجهان: محمد صادق دهلوی؛ پادشاه نامه شاهجهان: جلال‌الدین طباطبائی؛ پادشاه نامه (منظوم): محمد یحیی کاشی؛ پادشاه نامه: قدسی و کلیم؛ تواریخ شاهجهانی: صادق خان؛ مشخص: محمدطاهر آشنا؛ تاریخ دلشگا: عنایت‌الله کمبوه؛ صبح صادق: محمد صادق؛ شاهجهان نامه: بهگوان داس؛ انتخاب واقعات شاهجهانی: محمد زاهد؛ طراز الاخبار: نجم‌الدین احمد؛ افصح الاخبار: محمدباقر؛ حدیقة السلاطین: نظام‌الدین احمد (۱۰۵۰هـ)؛ فتوحات عادل شاهی: هاشم بیگ (۱۰۵۴هـ)؛ شاهد صادق: محمدبن

صادق (۱۰۵۶هـ)؛ ترخان نامه: محمد صالح (۱۰۶۵هـ).

تذکره شعرا

طبقات شاهجهانی: محمد صادق (۱۰۴۶هـ)؛ خزینه گنج الهی: عمادالدین محمود (۱۰۶۴هـ).

تذکره اولیاء

اخبارالاولیاء من لسان الاصفیاء: عبدالله خورشکی؛ مجمع الاولیاء: بدرالدین سرهندي (۱۰۴۲هـ)؛ سفینه الاولیاء: داراشکوه (۱۰۴۹هـ)؛ سکینه الاولیاء: داراشکوه (۱۰۶۲هـ)؛ زیده المقامات: محمد هاشم؛ سیرالاقطاب: الله دیاجشتی (۱۰۵۹هـ)؛ تذکره مشایخ سوزستان: عبدالغفور (۱۰۴۳هـ).

علم نجوم

اختر هزاری: شیر محمد (۱۰۶۵هـ)؛ مجمع الفضائل: محمد فاضل (۱۰۴۶هـ)؛ رساله مختصر در معرفت سمت قبله: عظمت الله مهندس (۱۰۵۸هـ)؛ کارنامه صاحبقران ثانی زیج شاهجهانی: فرید ابرهیم دهلوی؛ صور صوفی: عبدالرحمن صوفی (۱۰۵۰هـ)؛ خلاصه راز: عطاءالله رشیدی؛ رساله خواص اعداد؛ شرح خلاصه الحساب؛ منتخب الحساب؛ سحر حلال؛ رساله اوقات؛ رساله در معرفت سمت قبله؛ رساله در حل چند سؤال هندسه: لطف الله مهندس.

طب

انیس المعالجین: نورالدین محمد عین الملک؛ جامع الاطباء: نورالدین محمد (۱۰۵۰هـ)؛ قسطاس الاطباء: نورالدین محمد (۱۰۵۰هـ)؛ علاجات داراشکوهی: نورالدین محمد (۱۰۵۶هـ)؛ سبب سته رشیدی: نورالدین محمد؛ قرابادین آصفی: آصف الزمان (۱۰۵۰هـ)؛ منافع/فضلیه: علی افضل (۱۰۵۱هـ)؛ مجیرالشفاء: احمد ملتانی (۱۰۴۶هـ)؛ قرابادین معصومی: معصوم بن عبدالکریم شوشتری (۱۰۵۹هـ)؛ لذات النساء: محمدقلی جامی (۱۰۵۶هـ)؛ عین الشفاء: حسن بن سینا (م ۱۰۵۶هـ)؛ شجره دانش: نظام الدین احمد (۱۰۵۶هـ)؛ حاشیه نفیسی: میرهاشم (۱۰۶۱هـ)؛ تذکره الحكماء: اسماعیل تبریزی

(۱۰۶۳هـ)؛ فوائد الفوائد: عبداللطيف (۱۰۶۶هـ).

موسیقی

هزار دهرید: نائک بخشو.

ترجمه های سانسکریت به فارسی

ترجمه مهابهارت: داراشکوه؛ ترجمه بهگوت گیتا: داراشکوه؛ مرآة الحقایق: ترجمه بهگوت گیتا: عبدالرحمن چشتی؛ ترجمه رامائن: چندرمن؛ ترجمه سنگهاسن بتیسی: ابن هرکرن (۱۰۶۳هـ)؛ جوگ باثست: داراشکوه؛ انوار در حل اسرار: صوفی شریف؛ سراکبر: داراشکوه؛ بیج گهنث (جبر و مساحت): عطاء الله رشیدی (۱۰۴۴هـ)؛ ترجمه میناک شاط (قانون) = لال بهاری (۱۰۶۸هـ)؛ بهار دانش: عنایت الله کمبوه (۱۰۶۱هـ)؛ حجة الهند: علی شاه محرابی؛ فرستامه هندی: عبدالله خان؛ مرآة المخلوقات: عبدالرحمان چشتی (۱۰۴۱هـ).

ترجمه های عربی به فارسی

آداب و شرایط پادشاهان: شمس الدین حسنی (۱۰۶۵هـ)؛ ترجمه کشکول: احمد الشهدی؛ صور صوفی: لطف الله مهندس (۱۰۵۰هـ)؛ سیرالبلاد: محمد مراد (۱۰۵۴هـ).

انشاء

مکتوبات سعدالله خان؛ منشآت برهمن: چندر بهان برهمن؛ بهار سخن: محمد صالح کمبوه؛ انشای منیر: منیر لاهوری؛ تاریخ عادلشاهیان: ابوالحسن (۱۱۰۰هـ)؛ احوال سلاطین بیجاپور: سید محی الدین (۱۱۱۰هـ).

تذکره شعراء

لطایف الخیال: شیخ هند شیرازی (۱۰۷۸هـ)؛ حقایق السلاطین فی کلام الخواقین: علی بن طیفور (۱۰۹۲هـ)؛ کلمات الشعراء: محمد افضل سرخوش (۱۰۹۳هـ)؛ مرآة الخیال: شیرخان لودهی (۱۱۰۲هـ).

تذكرة اولياء

مرآة الولايت: عبدالرحمن چشتى (۱۰۱۷هـ)؛ مرآة مدارى: عبدالرحمن چشتى؛
مرآة الاسرار: عبدالرحمن چشتى (۱۰۱۵هـ)؛ اسرار الايران: داوة مشکواتى (م. ۱۰۹۷هـ)؛
چل چلتمه العارفين: محمد اسحاق قارى.

رياضى

شرح رساله علم الحساب: ؟ (۱۰۹۲هـ).

طب

طب حامدى: حكيم حامد (۱۰۷۳هـ)؛ رياض الادويه: ملك الوهاب (۱۰۷۸هـ)؛
تحفة المؤمنين: محمد مؤمن (۱۰۸۰هـ)؛ خلوت زار انساني: عبدالكريم تهايسرى
(۱۰۸۴هـ)؛ همدم محبت: عبدالله اكبر آبادى (۱۰۹۱هـ)؛ خير التجارب: خير الدين خان
(۱۰۹۵هـ)؛ طب اورنگزيبى: درويش محمد ايمن آبادى؛ شفاء القلوب: جلال الدين احمد
(۱۱۰۶هـ)؛ طب الاكبر: محمد اكبر ارزانى (۱۱۱۲هـ)؛ عجائب الاتفاق: محمدرضى الدين
(۱۱۱۶هـ).

موسيقى

رساله در علم بين و تهاتى: هوض محمد كامل خان (۱۰۷۹هـ)؛ معرفة النغم: ابوالحسن
قيصر (۱۰۸۷هـ)؛ مصباح السرور: حسن بن خواجه طاهر (۱۰۷۴هـ).

لغت

برهان قاطع: محمد حسين تبريزى (۱۰۶۶هـ)؛ فرهنگ رشيدى: عبدالرشيد (۱۰۶۴هـ)؛
بحر اللغات: ؟ (۱۰۶۹هـ).

داستان

مهر و ماه: مير عسكرى (۱۰۶۵هـ).

مذهب و تصوف:

خلاصة المعارف فى العقايد: آدم بنورى؛ دبستان المذاهب: (۱۰۶۳هـ).

متفرق:

زینت السیاطین: صدرالدین فائز؛ مجموعه الصنایع: زین العابدین (۱۰۶۵ هـ).

تصنیف و تألیف در عهد اورنگ زیب

اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ م) مردی مؤمن و متقی بود. به قرآن و حدیث و فقه اسلامی کمال شیفتگی را داشت، و مراسم غیرشرعی را از دربار برانداخت. در روزگار او سرپرستی مصوری، موسیقی و شاعری منقطع شد. منصب ملک الشعرایی را از بین برد. قصیده سرایی تعطیل شد. اورنگ زیب خود ذوق شعر داشت و انشاء نگار و خوش نویسی با هنر بود. قدردان علما و فضلا بود. اگرچه شاعران از انعام و اکرام شاهی بی بهره ماندند، ولی شعر گفتن را ترک نکردند. در این عهد کار تصنیف و تألیف به حداعلی رسید تفصیل آن از این قرار است:

تاریخ

عالمگیرنامه: محمدکاظم؛ واقعات عالمگیری: عاقل خان رازی؛ مآثر عالمگیری: محمدساقی مستعدخان؛ منتخب اللباب: خافی خان؛ وقایع نعمت خان عالی؛ لب التواریخ: بندر ابن داس؛ خلاصه التواریخ: سبحان رائی؛ فتوحات عالمگیری: ایسرداس؛ نسخه دلکشا: بهیم سین؛ مرآة العالم: بختاورخان؛ فتحیه مبریه: شهاب الدین احمد؛ تواریخ عادلشاهی: نورالدین (۱۰۷۶ هـ).

ترجمه های سانسکریت به فارسی
ترجمه سپری حاتک (موسیقی): میرزا روشن ضمیر؛ شبستان عشرت: منشی بخت رائی؛ راگ دین: فقیرالله سیف خان (۱۰۷۶ هـ)؛ ترجمه سنگهاسن بتیسی: مادهورام؛ قصه کامروپ و کام لتا: میرتحسین همت خان (۱۰۹۲ هـ)؛ دستور همت (منظوم): محمد مرادخان لایق (۱۱۰۹ هـ)؛ شمس الاصوات: رس برس (۱۱۰۹ هـ)؛ ترجمه سر بهگوت: چندرسین (۱۰۹۲ هـ)؛ ترجمه بهگوت گیتا: دیارام خوشدل؛ تحفة المجالس: ترجمه بیتال پهبسی (۱۱۰۲ هـ)؛ تشریح الموسیقی: ترجمه بده پرکاش: محمداکبر ارزانی؛ بدیع الفنون: دهرم نرائن؛ ترجمه شیوپران: کشن سنگه نشاط (۱۰۹۶ هـ).

ترجمه‌های عربی به فارسی

تیسیر القاری فی شرح صحیح البخاری: نورالحق (۱۰۷۳ هـ)؛ شرح شافیه: محمد هادی (۱۰۸۸ هـ)؛ شرح وقایه: عبدالخالق سجاول (۱۰۷۲ هـ)؛ شرح هدایه: عبدالخالق سجاول؛ ترجمه قانون؟ (۱۰۸۱ هـ)؛ شرح خلاصه الحساب (۱۰۸۱ هـ)؛ منتخب: لطف‌الله مهندس (۱۰۹۲ هـ)؛ فیض الوهاب فی شرح خلاصه الحساب: نظام‌الدین احمد؛ طب النبی: محمد اکبر ارزانی (۱۱۱۲ هـ)؛ شرح تشریح الافلاک: عصمت‌الله (۱۰۸۶ هـ)؛ تفریح الادراک: صدرالدین؛ تحریر الصدر: صدرالدین.

انشاء

رقعات عالمگیری: اورنگزیب؛ آداب عالمگیری: ابوالفتح قابل خان؛ احکام عالمگیری: عنایت‌الله؛ احکام عالمگیری: حمیدالدین؛ دستورالعمل: رقعات به نام شاهجهان؛ رقاوم کراوم: اورنگزیب؛ مکتوبات شیخ محمد معصوم؛ چهار عنصر: میرزا بیدل؛ نگارنامه منشی: (۱۰۹۵ هـ).

لغت

اشعه اللغات: غلام‌الله صدیقی (۱۰۸۱ هـ)؛ لغات عالمگیری: فاضل محمد دهلوی.

داستان

زال معذوره فریب: میرزا هد (۱۰۹۴ هـ)؛ مینا و منوهر: مادهو داست گجراتی (۱۰۹۸ هـ)؛ گشایش نامه: راج کرن (۱۱۰۰ هـ).

متفرق

فرهنگ اورنگ شاهی: هدایت‌الله؛ معدن الجواهر: ملا طرزی.

تصنیف و تألیف در عهد سلاطین تیموری متأخر

دوره حکومت سلاطین متأخر از ۱۱۱۹ تا ۱۲۷۵ هـ بوده است. این عهد زمان زوال و انحطاط حکومت مسلمانان در شبه قاره است. نخستین ده سال دوره نامحکمی حکومت بود. در نتیجه حمله‌های نادر شاه افشار و احمد شاه ابدالی و تاخت و تاراج آنان حکومت

تیموریان بیشتر ضعیف شد. مرهته‌ها و انگلیسی‌ها حکومت را نزدیک به زوال آوردند. در سال ۱۸۰۳ م / ۱۲۱۷ هـ شاهنشاه تیموری وظیفه خور انگلیسی‌ها شد. مقدار داد و دهش به علما و شعرا به درجه پایین رسید. در این زمان زبان اردو بیشتر رواج پیدا کرد. پادشاهان و عموم مردم در هر دو زبان شروع به شعر گفتن کردند. شاه عالم ثانی متخلص به آفتاب و بهادرشاه ثانی متخلص به ظفر به زبان‌های اردو و فارسی شعر سروده‌اند. کتاب‌هایی در موضوعات گوناگون تألیف شد که فهرست آنها از این قرار است:

تاریخ

تقیح الاخبار: محمدماه (۱۱۲۶ هـ)؛ جنات الفردوس: محمد یوسفی (۱۱۲۶ هـ)؛ تاریخ فضلی: سید فضل خان؛ قبچاق خانی: خواجه قلی بیگ بلخی (۱۱۳۶ هـ)؛ تاریخ محمد شاهی: خوشحال چند (۱۱۵۱ هـ)؛ برهان الفتوح: محمد علی (۱۱۴۸ هـ)؛ تحفة الکرام: علی شیر قانع (۱۱۸۸ هـ)؛ جام جهان نما: مظفر حسین (۱۱۸۰ هـ)؛ حدیقة الصفا: یوسف علی؛ فرحت الناظرین: محمد اسلم (۱۱۸۴ هـ)؛ تاریخ محمدی: میرزا محمد (۱۱۹۰ هـ)؛ حدیقة الاقالیم: مرتضی حسین؛ جام جهان نما: قدرت الله شوق (۱۱۹۹ هـ)؛ بحر مواج: محمد علی انصاری (۱۲۱۱ هـ)؛ لب السیر جهان نما: میرزا ابوطالب خان (۱۲۱۹ هـ)؛ مرآة آفتاب نما: شاهنواز خان هاشمی (۱۲۱۸ هـ)؛ مجمع الاخبار: هرسنگه رانی (۱۲۲۰ هـ)؛ سلالة السیر: ابوالقاسم؛ زیدة الغرایب: محمدرضا طباطبائی (۱۲۴۵ هـ)؛ مجمع الملوک: محمدرضا طباطبائی (۱۲۶۰ هـ)؛ تاریخ هندی: سید محمد باقر علی (۱۲۴۰ هـ)؛ بیان واقع: عبدالکریم (۱۱۹۸ هـ)؛ خلاصة التواریخ: کلیان سنگه (۱۲۱۶ هـ)؛ مدینه العلم: محمد بن پیرمحمد فاروقی؛ حمله حیدری: محمد رفیع باذل؛ چهار گلشن شجاعی: چرن داس (۱۱۹۹ هـ)؛ ریاض الملوک: محمد غوث پیشاوری؛ هفت گلشن: محمد هادی کامورخان (۱۱۳۲ هـ)؛ حقیقت‌های هندوستان: نرائن شفیق (۱۲۰۴ هـ)؛ تاریخ مظفری: محمد علی خان انصاری (۱۲۰۳ هـ)؛ شاهنامه منور قلم: شیوداس لکهنوی (۱۲۱۷ هـ)؛ بهادرشاه نامه: نعمت خان عالی (۱۱۲۰ هـ)؛ عبرت نامه: محمد قاسم (۱۱۳۵ هـ)؛ ذکر السیر: غلام حسین خان (۱۲۲۱ هـ)؛ بهاؤنامه: غلام علی رضوی (۱۲۰۰ هـ)؛ امیرنامه: امیر علی خان؛ تاریخ کشمیر: نرائن کول حاجز؛ واقعات کشمیر: محمداعظم (۱۱۴۸ هـ)؛ خالصه نام: بخت مل (۱۲۳۴ هـ)؛ آصف نامه: تجلی علی (۱۲۱۷ هـ)؛ وقایع دکن: محمد فیض الله (۱۲۳۱ هـ)؛ وقایع ملکز: موهن سنگه (۱۲۲۳ هـ)؛ تاریخ حمیدخان: حمیدخان (۱۲۰۶ هـ)؛ تاریخ

ارادت خان: ارادت خان؛ سیرالمآخرین: غلام حسین (۱۱۹۷ھ)؛ تاریخ شاہ عالم: منوال
 (۱۱۹۶ھ)؛ عبرت نامہ: خیرالدین (م ۱۲۴۳ھ)؛ جام جم: سید احمد خان (۱۲۵۵ھ)؛
 تاریخ اودھ: کمال الدین (۱۲۶۳ھ)؛ عماد السعادت: غلام علی (۱۲۲۲ھ)؛ گل رحمت:
 سعادت یارخان (۱۱۸۸ھ)؛ تبصرۃ الناظرین: سید محمد بلگرامی (۱۱۸۲ھ)؛ مظفر نامہ:
 کرم علی (۱۱۸۶ھ)؛ ریاض السلاطین: غلام حیرد (۱۲۰۲ھ)؛ بساتین السلاطین: ابراہیم
 زبیری (۱۲۴۰ھ)؛ وقایع دکن: فیض بخش (۱۲۴۰ھ)؛ تاریخ عماد الملک: غلام قادر خان
 (۱۲۱۱ھ)؛ قضاوی سلاطین: مہدی جان (۱۱۵۶ھ)؛ نشان حیدری: حسین علی خان
 (۱۲۱۷ھ)؛ مرآة احمدی: علی محمد خان (۱۱۷۵ھ)۔

تذکرہ شعرا

ہمیشہ بہار: کشن چند (۱۱۳۶ھ)؛ سفینہ بیخبر: عظمت اللہ (۱۱۴۱ھ)؛ سفینہ
 خوشگو: بندرین داس (۱۱۳۷ھ)؛ یدبضا: غلام علی آزاد (۱۱۴۶ھ)؛ سرو آزاد: غلام
 علی آزاد (۱۱۶۲ھ)؛ خزانہ عامرہ: غلام علی آزاد (۱۱۷۹ھ)؛ تذکرہ ندرت: عطاء اللہ
 ندرت (۱۱۴۹ھ)؛ گلدستہ: عبدالوہاب (۱۱۵۵ھ)؛ بہارستان سخن: میر عبدالرزاق
 (۱۱۶۰ھ)؛ بیاض الشعراء: والہ داغستانی (۱۱۶۱ھ)؛ مردم دیدہ: عبدالکریم حاکم
 (۱۱۷۵ھ)؛ تذکرہ شعرا کشمیر: اصلح میرزا (۱۱۶۱ھ)؛ تذکرہ حسینی: حسین دوست
 سنبھلی (۱۱۶۳ھ)؛ مجمع النفیس: سراج الدین علی خان آرزو (۱۱۶۳ھ)؛
 تذکرۃ المعاصرین: محمد علی حزین (۱۱۶۵ھ)؛ تحفۃ الشعراء: افضل بیگ (۱۱۶۵ھ)؛
 تذکرہ بی نظیر: عبدالوہاب (۱۱۷۲ھ)؛ مقالات الشعراء: قیام الدین حیرت (۱۱۷۳ھ)؛
 تذکرہ شاعرات: ؟ (۱۱۷۶ھ)؛ سفینہ عشرت: درگا داس (۱۱۷۵ھ)؛ گل رعنا: لچھمی
 نرائن شفیق (۱۱۸۱ھ)؛ شام غریبان: لچھمی نرائن شفیق (۱۱۹۷ھ)؛ انیس الاخبار: مؤمن
 لعل (۱۱۹۷ھ)؛ خلاصۃ الکلام: علی ابراہیم خلیل (۱۱۹۸ھ)؛ عقد ثریا: غلام ہمدانی
 مصحفی (۱۱۹۹ھ)؛ صحف ابراہیم: علی ابراہیم (۱۲۰۵ھ)؛ خلاصۃ الافکار: ابوطالب
 (۱۲۰۷ھ)؛ مخزن الغریب: احمد علی (۱۲۱۵ھ)؛ سفینہ ہندی: بہگوان داس
 (۱۲۱۹ھ)؛ ریاض الوفاائق: ذوالفقار علی (۱۲۲۹ھ)؛ نشتر عشق: حسین قلی خان عشق
 (۱۲۴۳ھ)؛ انیس العاشقین: رتن سسنگھ زخمی (۱۱۴۴ھ)؛ گلدستہ کرناتک: غلام علی
 (۱۲۱۰ھ)؛ محک الشعراء: محمد صالح (۱۲۵۲ھ)؛ معراج الخیال: وزیر علی (۱۲۵۷ھ)؛
 صبح وطن: محمد غوث (۱۱۵۸ھ)؛ نتایج الافکار: قدرت اللہ خان (۱۲۵۹ھ)؛ حدائق

الشعراء: اميريگ بنارسی (۱۲۱۱هـ)؛ اشارات بينش: سيدتقی بينش (۱۲۹۵هـ)؛ گلزار اعظم: نواب غوث (۱۲۶۹هـ).

تذكرة اوليا

انفاس العارفين: شاه ولي الله (۱۱۴۴هـ)؛ مآثر الكرام: غلام علي آزاد (۱۱۶۶هـ)؛ مقدمات مظهری: غلام علي (۱۱۹۵هـ)؛ مخزن احمدی: محمد علي (۱۲۶۱هـ)؛ مناقب المحبوبين: نجم الدين (۱۲۷۸هـ).

انشاء (تقريباً ۳۶ كتاب)

رقعات امان الله، رقعات مظهری: صادق حسين؛ انشای فيض رسان: حفيظ الله؛ انشای ميهن بخش: شير علي، انشای عجيب: محمد جعفر، ظهير الانشاء: محمد ظهير الدين، رقعات بيدل، دقائق الانشاء: رن چهورداس، انشای مادهورام، رقعات لچمهي نرائن، رقعات قتيل، موهبت عظمی: سراج الدين علي خان آرزو، پنج آهنگ اورياغ دودر: اسدالله خان غالب.

مذهب

شاه ولي الله (بيش از بيست تأليف): ازالة الخفا، فوز الكبير، سرور المحزون، ترجمه نورالعيون، ترجمه قرآن شريف، مكاتيب فارسي، شفاء القلوب.

شاه عبدالعزيز: تفسير عزيزي، بستان المحلثين، فتاوى عزيزي، عجاله نافع، شرح ميزان، تحفة اثنا عشرية، عزيز الاقتباس.

شاه اسماعيل شهيد: تقوية الايمان، تذكير الاخوان، اصول فقه، صراط مستقيم، رساله منطلق، منصب امامت، ايضاح الحق.

قاضي ثناء الله پاني پتي (۹ تأليف): صيف المسلول، ارشاد الطالبين، مالا بد منه، تذكرة الموتى والقبور، تذكرة المعاد، حقيقة الاسلام، رساله حرمت و اباحت، رساله حرمت متمع، شهاب ثاقب.

عبد العلي بحر العلوم: حاشية ميرزاهد، شرح مسلم الثبوت، حاشية بر شرح صدر، ارکان اربعة، شرح مثنوی معنوی.

دلدار علي لکهنوی: اساس الاصول، عماد الاسلام (۵ جلد)، احياء السنة.

سلام الله محدث: شرح جلالین، شرح موطا، ترجمه فارسی صحیح بخاری، ترجمه فارسی شمائل ترمذی.

تصوف

شاه ولی الله: سطعات، القیاط فی سلاسل الاولیاء، الطاف القدسی، همعات.
شاه کلیم الله: عشره کامله، سواء السبیل، کشکول کلیمی، تسنیم، الهامات کلیمی، مکتوبات.

میر درد: واردات، علم الكتاب، ناله درد، درد دل، سوز دل، واقعات درد.

مظهر جان جانان: ارشاد الطالبین.

بدرالدین قادری: هدایت ربانی.

محمد سعید: محک الطالبین.

حسین کشمیری: هدایت الاعمی.

موسیقی

شمس الاصوات؟ (۱۱۰۹هـ)؛ مفرح القلوب: حسن علی (۱۱۹۷هـ)؛ اصل الاصول:
محمد نصیر محمدی؛ تشریح الموسیقی: محمد اکبر ارزانی (۱۱۳۴هـ).

طب (کتاب های بی شمار)

لغات الادویه: عبدالغفور؛ تبصرة الاطباء: محمد علی؛ تلخیص المجربات و جامع
اصول الماحیه: محمد صدیق الله؛ خلاصه مفید الانسان: عبدالکریم؛ خواص الادویه:
محمد افضل؛ رساله در سموم: محمد شریف؛ شفاء الاطفال: میراحسان علی؛ قرابادین:
ذکاء الله؛ گشایش حکمت: محمد یار؛ مخزن اسرار الاطباء: محمد مهدی؛ لوازم البشریه:
حسین بن عبدالله؛ نهج الحداقت: قدرت احمد.

حساب (کتاب های بی شمار)

رساله ارتفاع الجبال: محمد زمان (۱۱۱۴هـ)؛ خزینة الاعداد: لطف الله (۱۱۸۷هـ)؛
دستور حساب: اندرمن (۱۱۸۰هـ)؛ کفایة الجبر: محمد صلاح الدین؛ نور المحاسبین:
نور الاصفیاء؛ نفوذ الحساب: ابو علی محمد ارتضا (۱۲۵۱هـ)؛ میزان الحساب: در علی

(۱۲۱۵هـ)؛ رسالة رفيع الصنعت: عدة الملك رفيع الدين (۱۲۶۹هـ).

نجوم و هیات (تقريباً ۲۷ کتاب)

حکم الرياضی: محمد زمان انبالوی (۱۱۳۰هـ)؛ رساله در هیات: علی حزین (۱۱۸۰هـ)؛ اسرار النجوم: جعفر حسینی (۱۱۹۹هـ)؛ سراج التوحید: ابوطالب اصفهانی (۱۲۱۹هـ)؛ کاشف الدقایق: سدا سکه؛ انظار الکواکب: صلاح الدین؛ انوار النجوم: قبول محمد (۱۲۰۰هـ)؛ حدایق النجوم: رتن سنگه (۱۲۶۰هـ)؛ سیاق: رساله جبر و مقابله: نجم الدین خان (قبل از ۱۲۲۷هـ)؛ تحریر الاثیکال: محمد زمان.

زیج و تقویم

زیج جدید محمد شاهي: راجا جی سنگه (۱۱۴۱هـ)؛ الشواهد النفیسه فی اثبات کیسه: هاشم اصفهانی (۱۲۴۲هـ).

رمل

انوار الرمل: عبدالغنی شروانی (قبل از ۱۱۸۱هـ).

قیافه شناسی

هدایة الصدر: صدرالدین (۱۱۳۵هـ).

علم جعفر

ضیاء العیون: مهدی خان (۱۱۱۴هـ). *پرتال جامع علوم انسانی*

آداب الحرب

ضوابط سلطانی؟ (۱۲۱۱هـ)؛ رساله سپه گری (قبل از ۱۲۱۳هـ)؛ کتاب الرمی؛ میر ناصر (۱۱۳۰هـ).

شکار

تذکره صیدیه: علی حزین (۱۱۸۰هـ).

مساحت

تبدیل سطوح: فرخنده علی (۱۲۴۹هـ)؛ زراعت؛ رساله در فلاحه؟ (قبل از ۱۲۵۸هـ).

جوهر شناسی

جواهر نامہ، عبدالعزیز.

تعبیر خواب

تعبیر نامہ: عظیم الدین (۱۲۶۱ھ)؛ اوزان شرعی و عرفی: علی حزین (۱۱۸۰ھ)؛ خوان نعمت: نعمت خان عالی (۱۱۲۱ھ).

شطرنج

سردار نامہ: شیر محمد خان (۱۲۱۲ھ).

متفرق

تحفہ مجلس: شاہ ولی الحسینی (۱۱۴۸ھ)؛ جامع العلوم: محمد فضل امام (۱۱۴۹ھ)؛ قوانین تجارت؛ مطلع العلوم و مجمع الفنون: واجد علی خان (۱۲۳۳ھ).

لغت

سراج الدین علی خان آرزو: سراج اللغات، چراغ ہدایت، مشر، نوادر الالفاظ.
تیک چند بہار: جواہر الحروف، نوادر المصادر، جواہر التركيب.
اندرام مخلص: مرآة الاصطلاح.
وارستہ سیالکوتی مل: مصطلحات الشعراء.

نصاب

صمد باری: عبدالواسع ہانسوی؛ مفتاح افواہ: احسن اللہ لاہوری (۱۱۹۶ھ)؛ خالق باری: محمد اکرام (۱۲۰۵).

داستان

بوستان خیال: محمد تقی خیال؛ گل بکاوی: عزت اللہ بنگالی؛ ہیر و رانجہا: آفرین لاہوری (۱۱۴۲ھ)؛ منسارام منشی (۱۱۵۷ھ)؛ قمر الدین منت؛ وامق و عذرا: ارادت خان (۱۱۱۸ھ)؛ سیف الدین اخوند (۱۲۷۰ھ)؛ سسی و پنون: اندرجیت منشی (۱۱۴۹ھ)؛ محبت خان (اسرار محبت) (۱۱۹۷ھ).

کتابیات (مآخذ)

- مرہتی پرفارسی کائنات، عبدالحق (اورنگ آباد، ۱۹۴۳)۔
- بنگالی پرفارسی کائنات، داکٹر عبدالکریم برق، استاد کلکتہ یونیورسٹی، تہران
یونیورسٹی مقالہ پیش کیا۔
- ہندوستانی زبانوں پر فارسی کائنات و نفوذ، نذیر احمد مقالہ مطبوعہ اندوایرانیکا،
۱۹۷۱۔

- تأثیر زبان عربی و فارسی بر زبان گجراتی، س. آر. نائک. احمد آباد ۱۹۵۴؛
- تأثیر زبان فارسی بر زبان ہندی، امیکا پرساد باجبتی، پریاگ ۱۹۲۷؛
- پاکستان میں فارسی ادب، ظہورالدین احمد، جلد ۱ تا ۵، لاہور؛
- ایرانی ادب، حصہ دوم، ظہورالدین احمد، اسلام آباد ۱۹۹۹؛
- فارسی زبان و ادب، مجموعہ مقالات سید عبداللہ، لاہور ۱۹۷۲؛
- مقالات محمود شیرانی، مرتبہ مظہر محمود شیرانی، ج پنجم، ۱۹۹۳؛
- تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند، لاہور ۱۹۷۲ م، جلد پنجم؛
- آکھیا بابا فریدنی، محمد آصف خان، لاہور ۱۹۸۶؛
- فارسی اور ہندوستان، نذیر احمد، پتنہ ۱۹۷۶؛
- ہندوستان کی قدیم اسلامی در سگاہین، ابوالحسنات ندوی لاہور ۱۹۷۹؛
- پاکستانی ادب مرتبہ عبدالشکور احسن، لاہور ۱۹۸۱ م۔

Persian, Ancient and Modern, and their religion, F.K. Data Chanji, Chanji,
Karachi, 1976.

Aeen-i-Akbari, Abdul Fazal, translated by H. Bloochman, Calcutta. 1927,
(Second Edition).

_____, *History of Shad Jahan of Delhi*, Allahabad, 1960.

*The nature of the Persian Language written and ... in india Learning 18th and
19th centuray*, I. Bohra,. (Bulletin of the School of Oriental Studies,
1933-1935).

Short history of Persian literature. The Deccan, Adil shahis, Qutab shahi.